

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2022; 14(47): e25

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Investigating How to Issue the First Medical Certifications of Hamedan Doctors in the Qajar Era

Elham Parvazi^{1*}, Mehdi Ezati¹

1. Department of History and Archeology, Faculty of Humanities Razi University, Kermanshah, Iran

ABSTRACT

Background and Aim: Qājār's physicians, who were inheritors of their predecessors' traditional medicine, had a low level of knowledge regarding diagnosis; relying on their experience, they treated through trial and error. There was not any specific association to supervise physicians' performance and issue medical license. Things changed gradually with the beginning of Nāser al-Din Shah's reign and Amir Kabir coming to power. Testing and selection of doctors were then put on the agenda by the professionals. The plan, however, was not coherently pursued until constitutional revolution and the national consultative assembly formation allowed it to be legalized. Hence the physicians were examined within a special framework and medical licenses were issued for them according to the criteria of Education Department. After in Dar al-Caliphate, the plan was implemented in other provinces of Iran, including Hamedan. The present article is going to study how the first certifications of doctors in Qājār era were issued and answer that what documents were required for physicians of Hamedan to get the license and how these certifications affected the changes in medical profession in Hamedan during this period.

Methods: Using library and documental resources and a historical and descriptive approach, this study has analyzed the subject.

Ethical Considerations: In the current study, the ethics of the library and documentary study include authenticity of the references and constancy and confidentiality of the remarks.

Results: The results illustrate that the first formal medical licenses in Hamedan have been issued by being educated in Yengi-Donyayi school of Hamedan and through the physicians' experience, selection of doctors in Education Commission and the fame among people and well-known doctors.

Conclusion: The implementation of medicine's law seems to have a positive effect on medical changing and doctors' efforts in Hamedan to acquire enough knowledge for providing modern and efficient medical services.

Keywords: Qājār; Hamedan; Medical License; Yengi-Donyayi School

Corresponding Author: Elham Parvazi; **Email:** eslame.iran.history1357@gmail.com

Received: May 20, 2022; **Accepted:** September 11, 2022; **Published Online:** October 12, 2022

Please cite this article as:

Parvazi E, Ezati M. Investigating How to Issue the First Medical Certifications of Hamedan Doctors in the Qajar Era. *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2022; 14(47): e25.



بررسی چگونگی صدور اولین تصدیق‌نامه‌های طبابت پزشکان همدان عصر قاجار

الهام پروازی^{1*}، مهدی عزتی¹

۱. گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در دوره قاجار اطبا که میراث‌دار طب سنتی نیاکان خود بودند، چندان از علم تشخیص بیماری‌ها اطلاعی نداشته و با تکیه بر تجربیات خویش، در بستری از آزمون و خطا به معالجه بیماران می‌پرداختند و در این میان نهاد خاصی وجود نداشت که بر عملکرد اطبا نظارت داشته و اجازه طبابت صادر کند. با شروع سلطنت ناصرالدین‌شاه و روی کار آمدن امیرکبیر، به تدریج تحولی نسبی در این زمینه رخ داد و آزمون و گزینش اطبا توسط طبیبان ماهر در دستور کار قرار گرفت. با این وجود این طرح چندان منسجم دنبال نشد تا اینکه با انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی امکان قانونی کردن آن فراهم آمد، لذا میزان مهارت اطبا در چارچوب خاصی مورد بررسی قرار گرفت و پس از مطابقت با معیارهای اداره معارف برای آن‌ها تصدیق‌نامه (پروانه طبابت) صادر شد. این برنامه پس از دارالخلافه در دیگر ولایات ایران، از جمله همدان به اجرا گذاشته شد. مقاله پیش رو در نظر دارد به بررسی چگونگی صدور اولین تصدیق‌نامه‌های پزشکی طبای همدان در عصر قاجار بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که حکیمان همدان با ارائه چه مستنداتی توانستند به اخذ تصدیق‌نامه نائل آیند و صدور این تصدیق‌نامه‌ها چه تأثیری بر تحول طبابت و پزشکی همدان در این دوره گذاشت؟

روش: این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و با رویکردی تاریخی و توصیفی به تحلیل موضوع پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی، شامل اصالت منابع، صداقت و امانتداری مطالب به درستی رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نخستین تصدیق‌نامه‌های رسمی طبابت همدان، به واسطه تحصیل در مدرسه ینگ‌دنیایی همدان، تجربه حکیمان، گزینش در کمیسیون اداره معارف و اشتها در بین مردم و طبای معروف، صادر شده است.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد اجرای قانون طبابت تأثیر مثبتی در تحول پزشکی و تلاش طبای همدان جهت کسب دانش کافی به منظور خدمات پزشکی به روز و کارآمد داشته است.

واژگان کلیدی: قاجار؛ همدان؛ تصدیق‌نامه پزشکی؛ مدرسه ینگ‌دنیایی

نویسنده مسئول: الهام پروازی؛ پست الکترونیک: eslame.iran.history1357@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۲۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Parvazi E, Ezati M. Investigating How to Issue the First Medical Certifications of Hamedan Doctors in the Qajar Era. *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., *Medical History*. 2022; 14(47): e25.

مقدمه

مهارت و حذاقت در درمان از اصول اساسی حرفه پزشکی است که شامل تخصص در ارزیابی علائم بیماری و تشخیص صحیح تا تجویز دارو و درمان می‌باشد. از آنجا که فن طبابت با سلامت انسان‌ها در ارتباط است، لذا اشتغال به آن نیازمند تسلط کامل بر تمامی ابعاد و زوایای این حرفه مهم می‌باشد.

در دوره قاجار، اطبا همان حکیم‌باشی‌های قدیمی بودند که معلوماتشان تحفه حکیم مؤمن و کتاب قانون بوعلی و براء الساعه زکریای رازی بود (۱). حکیمانی که اطلاعات مختصر طبی آن‌ها چیزی نبود جز پرتویی و گاه تصویر مسخ‌شده‌ای از علم امراض جالینوسی که به جای محتوا، قالب را به عاریت گرفته بودند. طبی که بر ضوابط و معیارهای علوم روزگاران کهن تکیه داشت، بی‌آنکه چیزی بر آن افزوده باشند (۲). قضاوت بالینی آنان هم بنا به گفته Wiles، بر اساس حدسیاتی بود که از روی مزاج بیمار دریافت می‌شد، در حالی که از تجربیات قبلی و ابتکارات حکیمان‌اش نیز غافل نمی‌ماندند. ادامه روند بهبود بسته به استعمال داروهای گیاهی و سنتی قدیمی داشت و توکل بر خدا (۳).

از آنجا که در این دوره هیچ سازمانی جهت بازآموزی مهارت اطبا وجود نداشت، لذا در برخی مواقع این حرفه مورد سوءاستفاده سودجویان و گاهی سبب مرگ نفوس بسیاری می‌شد (۴)، پس از اجباری شدن دریافت اجازه‌نامه رسمی طبابت و بازآموزی اطبا تا حد زیادی از نواقص کار طبیبان کاسته شد و به تدریج داشتن تصدیق‌نامه برای تمامی اطبا، از جمله حکیمان همدان که چون دیگر طبیبان آن دوره، پیرو روش سنتی و نحوه درمان از طریق شیوه‌های قدیمی «افلاطون»، «ابوعلی سینا»، «سقراط» و «جالینوس» بودند (۳)، ضرورت پیدا کرد.

روش

پژوهش حاضر با جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای - اسنادی و با شیوه توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع و اسناد تاریخی به رشته تحریر درآمده است.

طبق مطالعات صورت‌گرفته، به طور کلی تاکنون پژوهشی مستقل و منسجم در باب تصدیق‌نامه‌های طبای همدان صورت نگرفته است و اکثر مطالب مرتبط با موضوع به صورت پراکنده موجود است، لذا جای این تحقیق در تاریخ پزشکی همدان خالی می‌باشد.

یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که پس از دستور حکومت همدان جهت کسب اجازه‌نامه رسمی طبابت، تحصیل در مدرسه ینگی‌دنیایی همدان، تجربه حکیمان، امتحان شدن در کمیسیون اداره معارف و اشتهار در بین مردم و طبای معروف، از جمله مدارک ارائه‌شده به اداره معارف همدان به منظور اخذ تصدیق‌نامه پزشکی بوده است (به استناد منابع و اسناد موجود در متن). چگونگی صدور اولین پروانه‌های طبابت (تصدیق‌نامه‌ها) در همدان و نقش مدرسه ینگی‌دنیایی در صدور این مجوزها موضوع پژوهش حاضر است که با بررسی اسناد و مدارک پزشکی برجای‌مانده از این دوره انجام خواهد گرفت.

در خصوص تصدیق‌نامه‌های پزشکی طبای همدان دوره قاجار به صورت پراکنده در برخی از آثار مطالبی آمده است از این دسته تألیفات می‌توان به جلد دوم کتاب «تاریخ طب و طبابت در ایران» نوشته محسن روستایی اشاره کرد که در ذیل شرح حال برخی پزشکان همدان، متن پروانه طبابت آن‌ها ذکر شده است. همچنین در جلد اول همان کتاب به چگونه قانونی شدن مجوز طبابت و رسمیت یافتن تصدیق‌نامه پزشکی پرداخته شده است. علاوه بر آن دکتر منصور حیدری به همراه دکتر سعید بشیریان و مسعود رفیعی در کتابی تحت عنوان «مکتب سده» که با محوریت تاریخ طب و طبابت و شرح حال طبیبان شاخص همدان در قبل و بعد از اسلام تألیف شده است. نگاهی اجمالی به تاریخچه اعلان اجباری تصدیق‌نامه پزشکی در همدان و همچنین چگونگی صدور این گواهی برای تنی چند از طبای همدان داشته است. افزون بر این موارد می‌توان مقاله «لزوم اخذ مجوز طبابت برای اطبا و نمونه‌ای از اولین تلاش‌های زنان برای دریافت آن» نوشته الهه باقری را

می‌پرداختند. در برخی موارد نیز طبابت از پدر به پسر منتقل می‌شد (۶). گاه نیز شاگرد بدون هیچ معلوماتی مقدماتی نظری، به صورت وردست یک طبیب، نسخه‌های او را رونویسی می‌کرد. وی به اصطلاح تجربه کسب نموده و بعد از گذشت مدتی به کسوت طبیبان آن عصر درمی‌آمد (۲)، در حالی که صلاحیت این پزشکان توسط مقام یا سازمان خاصی بررسی نمی‌شد. آنان بدون هیچ دیپلم و گواهی طبابت، تنها با تکیه بر اعتماد مردم نسبت به حذاقت خود، بیماران را معاینه و درمان می‌کردند. گاه پیش می‌آمد فردی شاید، تحت عنوان پزشک بدون هیچ تجربه‌ای شهر به شهر می‌رفت و با داروهایی که به همراه داشت، مردم را درمان می‌نمود و حق‌العلاج خود را به صورت پول یا جنس دریافت می‌کرد و هنوز درمان به نتیجه نرسیده، شهر یا روستا را ترک می‌گفت (۷).

برای اولین بار، به سال ۱۲۶۷ قمری، داشتن «تصدیق‌نامه پزشکی» در ایران باب شد تا هر فردی به نام طبیب دست به معاینه و معالجه افراد نزند. طبق دستور امیرکبیر، دکتر «کازولانی (Kazoulani)» مأمور بررسی میزان مهارت و تجربه طبیبان و نظارت بر کار آنان شد تا در صورت داشتن حد نصاب حذاقت و معلومات، با صدور «تصدیق‌نامه» به آنان اذن طبابت داده شود. در راستای همین هدف، بعد از تأسیس دارالفنون به سال ۱۲۶۹ قمری، فن طب از جمله علمی بود که در آن توسط استادان مجربی تدریس شد تا متعلمین طب با کسب دانش کافی در این زمینه بتوانند اذن اشتغال به طبابت بگیرند (۸)، بدین صورت که یک دوره هفت ساله برای فراگیری این علم، در نظر گرفته شد که سپس به ۵ سال کاهش یافت. محصلین مدتی را در مطب پزشکان معروف و معلمین مدرسه دارالفنون، بخش‌های عملی مرتبط با این حرفه را آموزش دیده و با رموز حرفه طبابت آشنا می‌شدند (۶). اعتضادالسلطنه وزیر علوم دولت ناصری، نیز دستور داد تا شاگردان دارالفنون در زمینه علم طب فرنگی و ایرانی نزد اطبای مرتبط امتحان شوند و پس از آنکه میزان مهارت و استعداد آنان در طبابت مشخص شد با کسب تصدیق‌نامه به معالجه مردم بپردازند (۹).

نام برد که در آن مطالب بیشتر حول موضوع مشکلات پیش روی زنان جهت دریافت اجازه‌نامه رسمی طبابت، محوریت یافته است و با استناد به سندی از تلاش بانویی همدانی جهت جلب رضایت اداره معارف برای دریافت مجوز طبابت اشاره دارد.

با مقایسه یافته‌های پژوهش پیش رو با دیگر مطالعات مشابه، از جمله مقاله «لزوم اخذ مجوز طبابت برای اطبا و نمونه‌ای از اولین تلاش‌های زنان برای دریافت آن» نوشته الهه باقری و «سه اجازه‌نامه طی» نوشته مجید غلامی جلیسه، این نتیجه حاصل می‌شود که موضوع مقاله در محدوده مکانی خاص (همدان) مورد پژوهش قرار گرفته است، لذا رویکرد متفاوت‌تری نسبت به دیگر مطالعات در این زمینه ارائه داده است و با نگاهی اختصاصی به یک موضوع مرتبط با فن طبابت در یک محدوده کوچک‌تر نتایج منسجم‌تری در اختیار مخاطب گذاشته است. با این وجود، از آنجا که تحقیق و پژوهش در حیطه تاریخ پزشکی همواره با مشکلاتی از جمله کمبود منابع مواجه است، لذا اطلاعات مرتبط با پژوهش به صورت پراکنده و اندک در میان اسناد و برخی از تحقیقات نوین، موجود بود. در این میان کتاب «تاریخ طب و طبابت» روستایی تنها منبعی است که دقیق‌تر از دیگر منابع به این بحث پرداخته است.

بحث

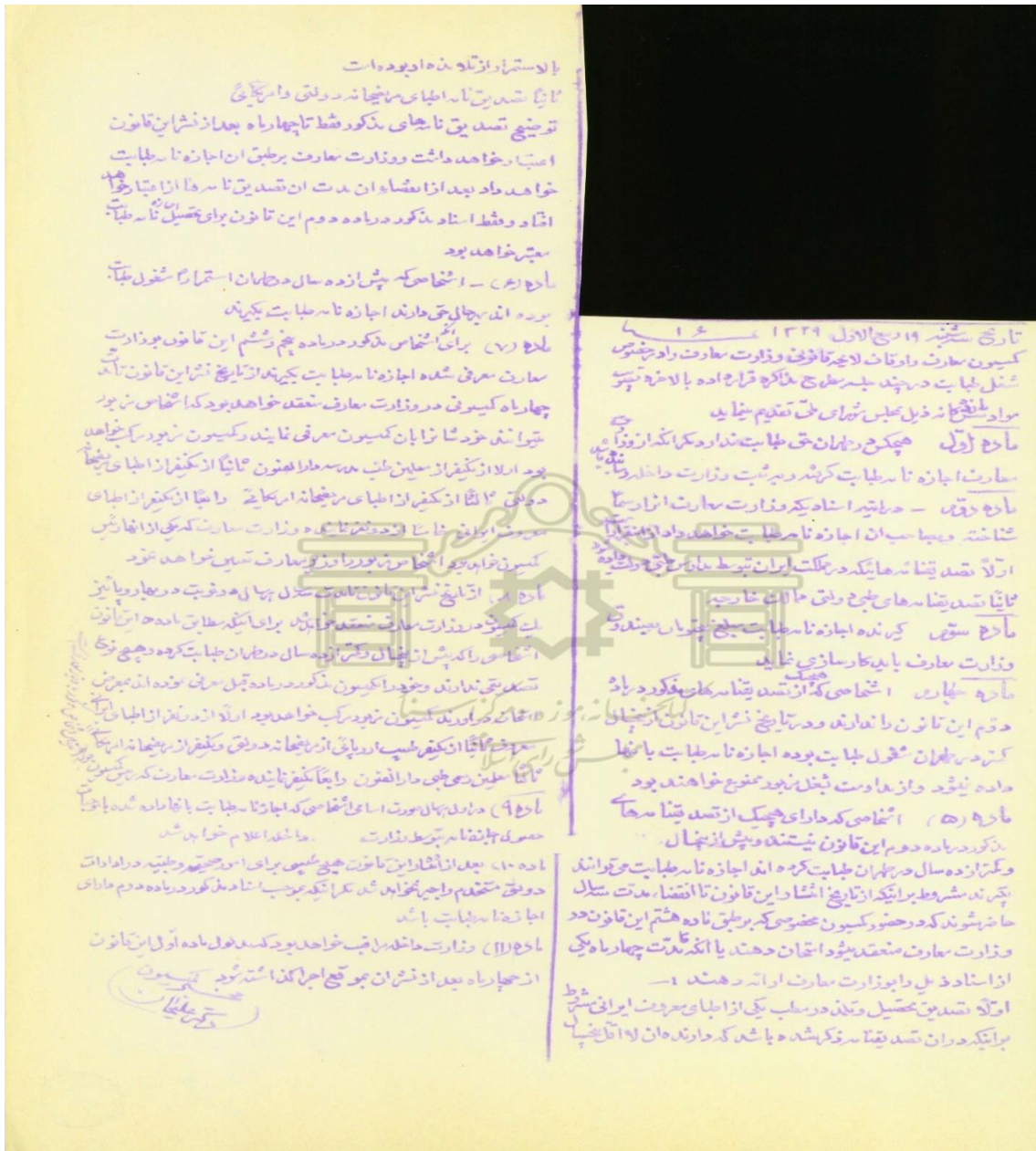
۱. **تاریخچه پروانه پزشکی در ایران:** در ایران، تا قبل از تأسیس دارالفنون، جهت فراگیری علم طب مکتب خاصی وجود نداشت. افراد پس از فراگرفتن علوم مقدماتی در نزد طبیبان معروف و قدیمی، حکمت طبیعی (طب و...) را در قالب کتب «قانون ابن‌سینا» و «شرح اسباب نفیسی» (از آثار مشهور طبی، شرحی است که برهان‌الدین نفیس بن عوض کرمانی از اطبای سده نهم قمری بر کتاب «اسباب و علامات امراض خاصه و عامه» تألیف نجیب‌الدین محمد بن علی نوشته است (۵)) آموزش می‌دیدند و پس از کسب اطلاعات و معلومات اندکی با عنوان پزشک، بدون هیچ مانعی به طبابت بیماران

دانش‌آموختگان شعبه طب تصدیق‌نامه‌ای با امضای وزیر علوم و معارف دریافت می‌نمودند که به موجب آن حق داشتند بیماران را مداوا نمایند و یا در سمت‌های دولتی شاغل شوند. در واقع همین برگه دریافتی حکم پروانه طبابت را داشت و سخن از جواز طبابت یا پروانه پزشکی رسمی در میان نبود (۶).

تا اینکه به تاریخ ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ قمری، اعضای کمیسیون معارف و اوقاف، لایحه قانونی وزارت معارف در خصوص شغل طبابت و اعلان اجباری تصدیق‌نامه طبی برای پزشکان، را بررسی نموده و توسط مخبر کمیسیون، دکتر علیخان برای تصویب به مجلس شورای ملی ارجاع دادند (۱۰). مجلس پس از بررسی و درج پیشنهادهای نمایندگان چون دکتر لسان الحکماء، محمد بروجردی و ارباب کیخسرو آن را جهت رسیدگی مجدد به کمیسیون فرستاد که در نهایت بعد از مذاکرات اعضای کمیسیون و رسیدن به توافق، نتیجه از طریق ذکاء‌الملک به مجلس مخابره شد (۱۱).

با شروع سلطنت مظفرالدین‌شاه، بستر سیاسی و اجتماعی به وجودآمده از زمزمه‌های مشروطیت و فقر اقتصادی حاکم بر جامعه، سبب شد تا فضای علمی دارالفنون از رونق بیفتد و در برابر این کسادی علمی، مکاتب چهارگانه طب، قد علم کنند. بدین صورت که مطب چهار طبیب برجسته تهران، حکم مکتب آموزشی گرفت و شاگردان بدون رنج تحصیل، با امضا و توشیح این اطباء سرشناس موفق به دریافت تصدیق‌نامه‌های چاپی می‌شدند (۶).

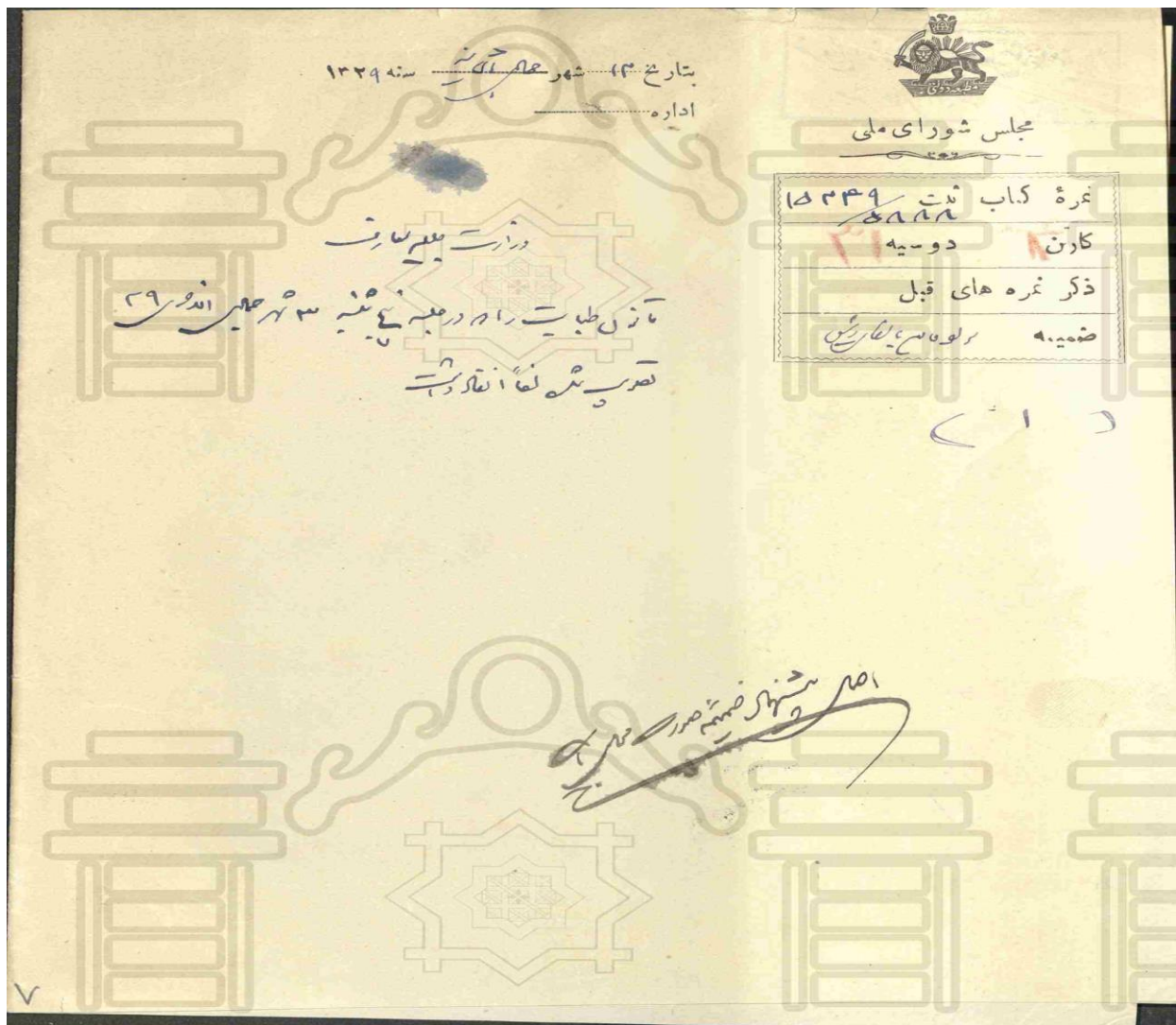
پس از پیروزی انقلاب مشروطه و ایجاد ثبات نسبی در کشور، باری دیگر اقدامات علمی دارالفنون سیر صعودی به خود گرفت، به طوری که یک ماه پس از اعطای فرمان مشروطیت، مطابق با آیین‌نامه جدید، شاگردان طب با قبولی در امتحان ورودی وارد مدرسه دارالفنون شده و پس از فراگیری یک دوره سه ساله، مجوز ورود به مدرسه عالی چهارساله طب را دریافت می‌کردند. در آخر هر سال تحصیلی - ۱۵ شهریور تا ۱۵ خرداد - پس از قبولی در امتحانات، شهادت‌نامه‌ای با امضای معلمین مربوطه به آنان داده می‌شد و در نهایت پس از چهار سال



آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره سند ۱۰۰۹-۱۳-۲-۴-۵۲-۳-۱۱۴۱.

سه سال، هر سال در دو نوبت خود را به کمیسیونی که در اداره معارف جهت برپایی امتحان، تشکیل می‌شود، معرفی نمایند. تصدیق‌نامه‌هایی که مورد تأیید اداره معارف قرار می‌گرفت، در وزارت داخله ثبت می‌شد. این قانون پس از چهار ماه از تاریخ نشر در تهران و پس از یک سال در ولایات به اجرا درآمد (۱۰).

- ۱- تصدیق‌نامه‌های مدارس طبی دولتی ایران؛
- ۲- تصدیق‌نامه‌های طبی دولتی کشورهای خارجه؛
- ۳- اشتغال به طبابت بیش از ۱۰ سال در تهران؛
- ۴- تصدیق‌نامه اطبای مریض‌خانه دولتی و آمریکایی، مشروط بر آنکه تا چهار ماه از تاریخ انتشار قانون طبابت آن را ارائه دهند؛
- ۵- تصدیق تحصیل و شاگردی به مدت حداقل ۵ سال به طور مستمر، در مطب یکی از اطبای معروف، مشروط بر ارائه آن طی مدت چهار ماه؛
- ۶- اذن طبابت به اطبایی که بیش از ۵ سال و کمتر از ۱۰ سال در تهران به فن طبابت مشغول بوده‌اند به شرط آنکه تا



آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره سند ۰۰۰۰۲-۱۹۳۳۶۰-۳۱/۰۱-۱-۴-۲-۲ ق.

۲. نگاهی به سیر اجرای قانون طبابت در همدان عصر

قاجار: همدان در آثار تاریخی و جغرافیایی به دارالطب شهرت دارد (۱۳)، زیرا که از دیرباز کانون طب و طبابت بوده و تمام اصول طب سنتی، در آن اجرا و آموزش داده می‌شده است. طبیبان همدانی با تکیه بر تجربیات شخصی که از پدران خود نسل به نسل به آنان رسیده بود، صبح‌ها و عصرها و گاهی هم شب‌ها، در حالی که سوار بر اسب یا الاغ بودند، به عیادت بیمار رفته، او را معاینه و مداوا می‌کردند (۱۴).

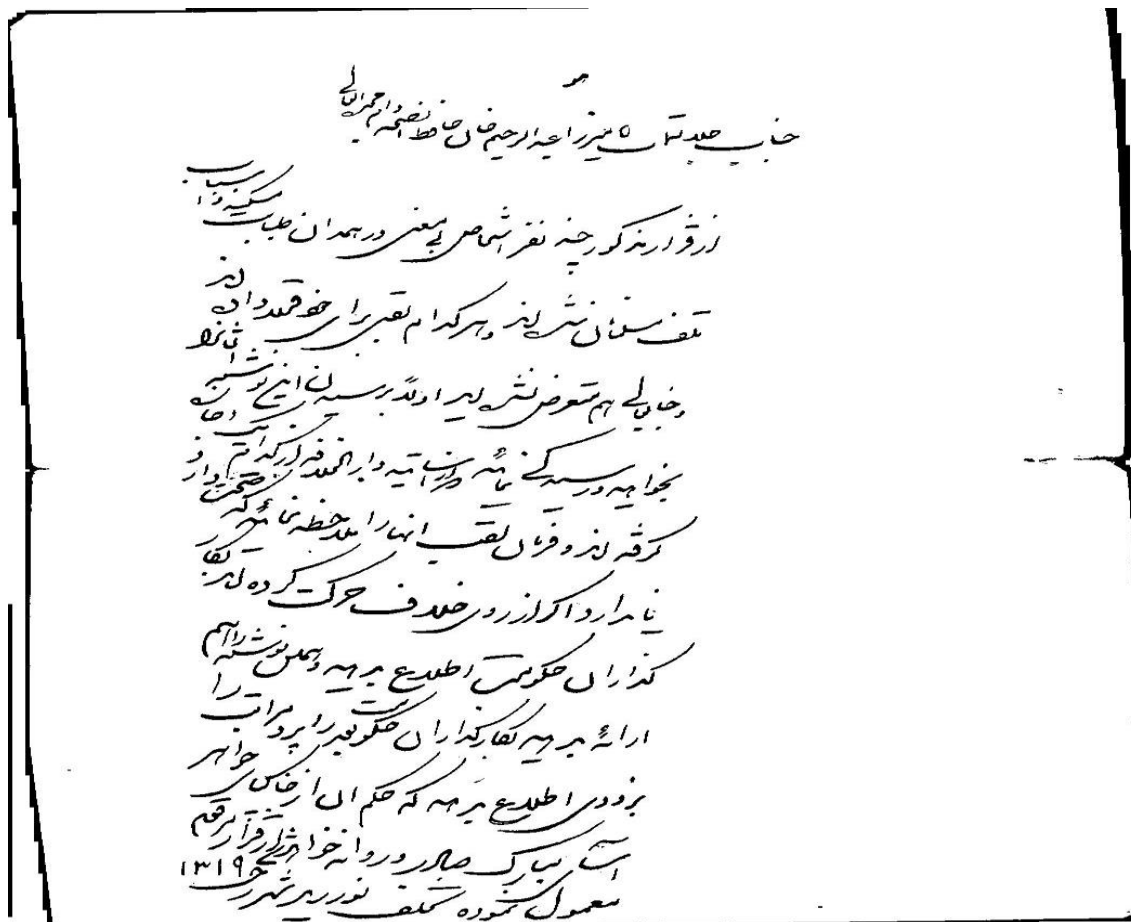
دکتر پولاک در سفرنامه‌اش درباره اطبا همدان چنین آورده است که: «بسیاری از اطبا در همدان یا یهودی‌اند یا از اخلاف یهود» (۲).

با وجودی که حکیم‌های همدان از سه گروه، مسلمان، مسیحی و کلیمی تشکیل می‌شدند، ولی غالب آن‌ها یهودی بودند (۱۴). در همدان، تا پیش از سال ۱۳۳۲ قمری حکیمان بدون داشتن اجازه رسمی، طبابت می‌کردند و برتری یک حکیم بر حکیمی دیگر بسته به میزان تجربه، حذاقت و شهرت او بود تا اینکه به سال ۱۳۳۲ قمری، طی حکمی از سوی وزارت معارف و وزارت داخله (وزارت فرهنگ و آموزش و پرورش امروزی) و وزارت کشور به حاکم وقت همدان (مظفرالملک)، (مظفرالملک، در سال ۱۳۲۵ قمری، به حکومت همدان منصوب شد (۱۵)) قانون گرفتن اجازه‌نامه رسمی طبابت، از طریق برپایی امتحان به حکیمان همدان اعلام گردید. مظفرالملک، حکم مذکور را به صورت جدی پیگیر و به اجرا گذاشت. بنابراین آن دسته از طبیبانی که در رشته طب نزد میسیونرهای آمریکایی همدان تحصیل کرده بودند و اجازه رسمی داشتند، تصدیق‌نامه آن‌ها با مهر وزارت معارف تأیید شد. دیگر طبیبان همدان که در طب سنتی، سررشته داشتند، با شرکت و قبولی در جلسه امتحان وزارت معارف، موفق به اخذ تصدیق‌نامه طبابت شدند (۱۶). با نگاهی به تاریخ مصوب مجلس و قوانین صادره (۱۳۲۹ ق.) و با توجه به ماده ۱۳ این لایحه، چنین به نظر

می‌رسد که ابلاغ این قانون به ولایات از جمله همدان، مشمول زمان شده است که شاید دلیلی بر عدم وجود بستر مناسب جهت اجرایی‌کردن این مهم در موقع مقرر بوده است.

پس از مدتی، میرزاداوودخان همدانی معروف به احتشام الاطبا که در دهه پایانی ناصری از مدرسه دارالفنون موفق به اخذ دیپلم و تصدیق‌نامه طبابت شده بود، از سوی وزارت معارف و رییس مجلس حفظ‌الصحه دولتی به همدان فرستاده شد و به عضویت مراسل صحیه مرکزی درآمد. وی با حکم مظفرالملک مأمور به منع طبابت اطبایی شد که تصدیق انجمن حفظ‌الصحه و تصدیق‌نامه وزارت معارف را نداشتند. تا با این کار مانع اتلاف جان مردم شده و در صورت سرپیچی اطبا، به حکومت وقت همدان گزارش بدهد. همچنین مظفرالملک به اداره نظمیه (شهربانی) دستور داد که در این مهم، با خبررسان انجمن حفظ‌الصحه نهایت همکاری را داشته باشد (۱۷) که در واقع عمل به ماده دهم قانون طبابت مبنی بر مجازات طبیب خاطی بوده است (۱۱).

از مهم‌ترین دلایل قانونی‌شدن گرفتن تصدیق‌نامه پزشکی این بود که برخی افراد بدون تجربه و از روی ناشی‌گری، امراض مردم را درمان می‌کردند که جز به خطرافتادن جان مردم نتیجه‌ای از آن حاصل نمی‌شد. در بعضی مواقع نیز، شیدانی در کسوت طبیب از جهل و ناآگاهی مردم جهت رسیدن به مقاصد شومشان استفاده می‌بردند. در نامه ارسالی دارالخلافه به حافظ‌الصحه همدان - میرزاعبدالرحیم - این مطلب آورده شده است که: «از قرار معلوم چند نفر، بدون هیچ مانعی در همدان طبابت می‌کنند و سبب مرگ مسلمانان شده‌اند و هر کدام به خود لقبی داده‌اند. جنابعالی هم به عنوان حافظ‌الصحه همدان، هیچ اعتراضی نکرده‌اید، ضمن رسیدن این نامه، رسیدگی کنید و صحت القاب این افراد را بررسی نمایید و اگر خلافکار بودند، با ارائه این نامه، به کارگزاران حکومت اطلاع بدهید. رجب ۱۳۱۹ قمری» (۴).

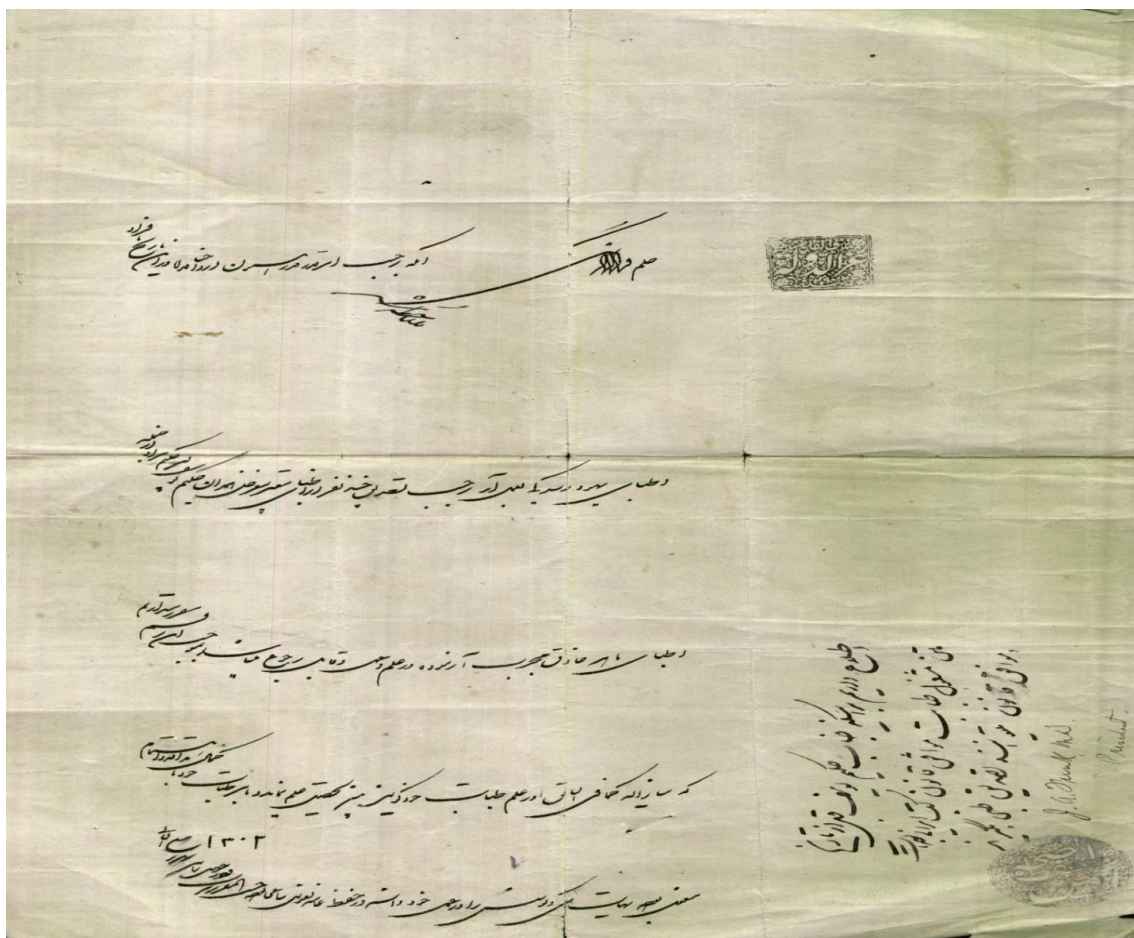


آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۰ قمری، کارتن: ۱۹، پوشه: ۲۶، سریال: ۳.

(درخواست از حافظ الصحه همدان جهت رسیدگی به موضوع طبابت چند نفر در همدان که بدون داشتن جواز سبب مرگ افراد شده‌اند).

با این وجود تا قبل از صدور حکم حکومتی مبنی بر لزوم کسب اجازه‌نامه رسمی جهت طبابت، طبیبان همدان، تحت توجیهاتی چون مهارت بالا، تجربه فراوان، تأییدیه اطباء برجسته شهر و حتی حکم حاکم ولایت، بر مداوای بیماران مبادرت داشتند، چنانچه عزالدوله - حاکم وقت همدان - اجازه طبابت حکیم یوسف یهودی را طی حکمی صادر کرد (۱۹).

از طرفی، با آنکه که قریب به اتفاق حکیم‌باشی‌های همدان، یهودی بودند، اما به جز چند پزشک شاخص مانند «بدیع الحکماء» دیگر طبیبان از معلومات بالایی که برگرفته از تحصیلات پزشکی باشد، برخوردار نبودند. آنان طبابت را نزد پدران طبیبشان آموخته و مطب او را به ارث برده بودند. دستورالعمل‌های درمانی آن‌ها نیز، با تکیه بر تجربیات شخصی و ترکیب دانه‌ها و گیاهان بود (۱۸).



آرشیو مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۲۸۱۱۵-۰۲۹۷.

(حکم عزالدوله در خصوص طبابت حکیم یوسف در همدان و تأیید عملکرد وی از طریق انجمن حفظ‌الصحه به سال ۱۳۰۲ ق.)

۳. بررسی مدارک ارائه‌شده تنی چند از اطبای همدان جهت اخذ دیپلم طبی: در همدان، اطبا به طرق مختلف در فن طب آموزش‌دیده و در عرصه اشتغال، مهارت خود را به میدان رقابت هم‌صنفان می‌بردند، اما زمانی میزان واقعی تبحرشان آشکار شد که بنا به قانون مصوب سال ۱۳۲۹ قمری مجبور به اخذ گواهی‌نامه رسمی طبابت مطابق با استانداردهای اداره معارف شدند. برخی مانند حکیم حسن مدنی «صفاء الحق» با آنکه مدتی را نزد اساتید برجسته همدان طب قدیم و جدید را فراگرفت (۲۰) و سپس با تحصیل در بیمارستان «باطلی والا» بمبئی به مدت سه سال تحصیلات خود را در پزشکی و جراحی تکمیل نمود و در نهایت با موفقیت در امتحانات رئیس بیمارستان - دکتر «اورجی» - به گرفتن

تصدیق نائل آمد (۲۱)، اما در سال ۱۳۳۳ قمری طبق قانون اجباری اجازه رسمی طبابت، پس از موفقیت در امتحان کمیسیون اداره معارف، توانست تصدیق‌نامه طب مجاز در ایران را دریافت کند (۲۰). از آنجا که تصدیق‌نامه‌های طبی دولتی ممالک خارجه، از طرف اداره معارف قابل استناد است، لذا به نظر می‌رسد بیمارستان «باطلی والا» خصوصی بوده است. از طرفی مدت‌زمان تحصیل این طبیب نزد اطبای سنتی همدان کمتر از ۵ سال و یا به طور پیوسته نبوده که جهت دریافت اجازه طبابت، امتحان شده است، لذا اثبات استعداد پزشکی این طبیب برخاسته از تجربیات وافر است که در طول مدت‌های مدید از پزشکان ایرانی و خارجی کسب کرده بود.

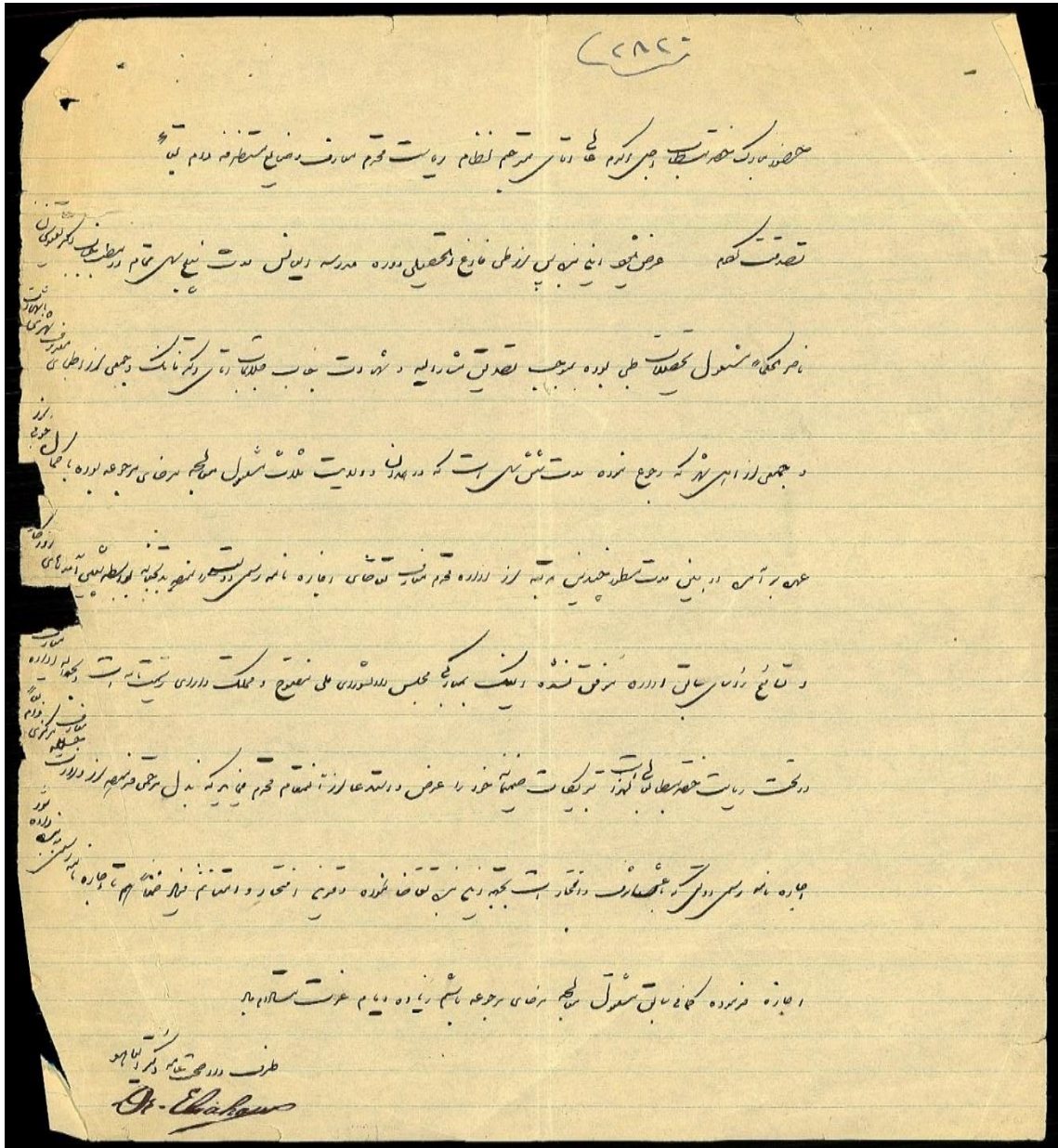
حذاقت را در امر طب از پدر به ارث برد و با تکیه بر تجربه چندساله و مدت طولانی اشتغال به طب در همدان توانست موافقت اداره معارف را جهت صدور تصدیق‌نامه طبی به دست آورد. خاندان او از عهد ناصری در فن طبابت دستی داشتند. اخلاف آنان در حال حاضر نیز پیشه اسلاف را ادامه داده و از پزشکان معروف‌اند. مردم همدان، طب سنتی را به داروهای گیاهی خسروی می‌شناسند و در قرنی که طب و طبابت در حد اعلا پیشرفت خود است، هنوز به تجویزهای شفابخش این خاندان ایمان دارند. هم اکنون نیز نوادگان این حکیم روحانی در محله سرگذر همدان به شیوه سنتی به تجویز دارو و درمان بیماران مشغول می‌باشند.

از دیگر اطباء همدانی که به واسطه اداره معارف همدان از وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه واقع در دارالخلافه تقاضای صدور اجازه‌نامه رسمی طبابت نمود، حکیم الیاهو می‌باشد. او با ارسال مدارک و استشهاداتی از جمله فارغ‌التحصیلی از مدرسه آلیانس (مدارس آلیانس با حمایت کنسولگری‌های فرانسه و بریتانیا در شهرهای مختلف ایران از جمله همدان (۱۹۰۰ م.) برای حمایت از جامعه یهودیان ساخته شدند که در آن‌ها تمام رشته‌ها به زبان فرانسه و گاه به زبان فارسی آموزش داده می‌شد (۲۲))، مدت پنج سال معاونت در امر طبابت در مطب دکتر یعقوب خان و همچنین گواهی اطباء مشهوری چون دکتر «Funk» و برخی از اهالی سرشناس همدان، به انضمام مدت شش سال اشتغال خود به طبابت در همدان و ولایت ثلاث، سعی در جلب رضایت این ارگان جهت صدور تصدیق‌نامه رسمی طبابت را داشته است (۲۳).

سیدحسن عمادی رضوی، (متولد ۱۳۰۸ ق. / ۱۲۶۹ ش.)، از دیگر اطباء مسلمان همدان است که برای آموختن طب از حضور، «ظهیر الحکماء» کسب فیض نمود و از طرف این حکیم عالی‌قدر، موفق به اخذ تصدیق‌نامه طبابت شد. سپس پروانه پزشکی، از سوی وزارت معارف به نام او صادر گشت و در اداره صحیه همدان استخدام شد (۱۶). از آنجا که «ظهیر الحکماء» از پزشکان معروف همدان عهد قاجاری است، گویا حکیم عمادی رضوی با فراگیری علم طب نزد او، بنا بر مدت معلوم‌شده مفاد قانونی (۵ سال با استمرار) و یا بیشتر، توانسته است با ارائه تأیید نامه این پزشک، از اداره معارف، پروانه پزشکی دریافت کند.

از دیگر استانداردهای مورد قبول جهت دریافت اجازه رسمی طبابت، تلمذ از محضر اطباء مشهور بود. از این قسم اشخاص می‌توان به سیدعلی‌اکبر خسروی همدانی اشاره داشت که علوم مقدماتی طب را نزد پدرش «سیدخسرو» از حکیمان به نام همدان فراگرفت و سپس جهت تکمیل فن طبابت راهی چند شهر مهم ایران شد و از محضر اساتید بزرگی کسب علم کرد. در نهایت به همدان بازگشت.

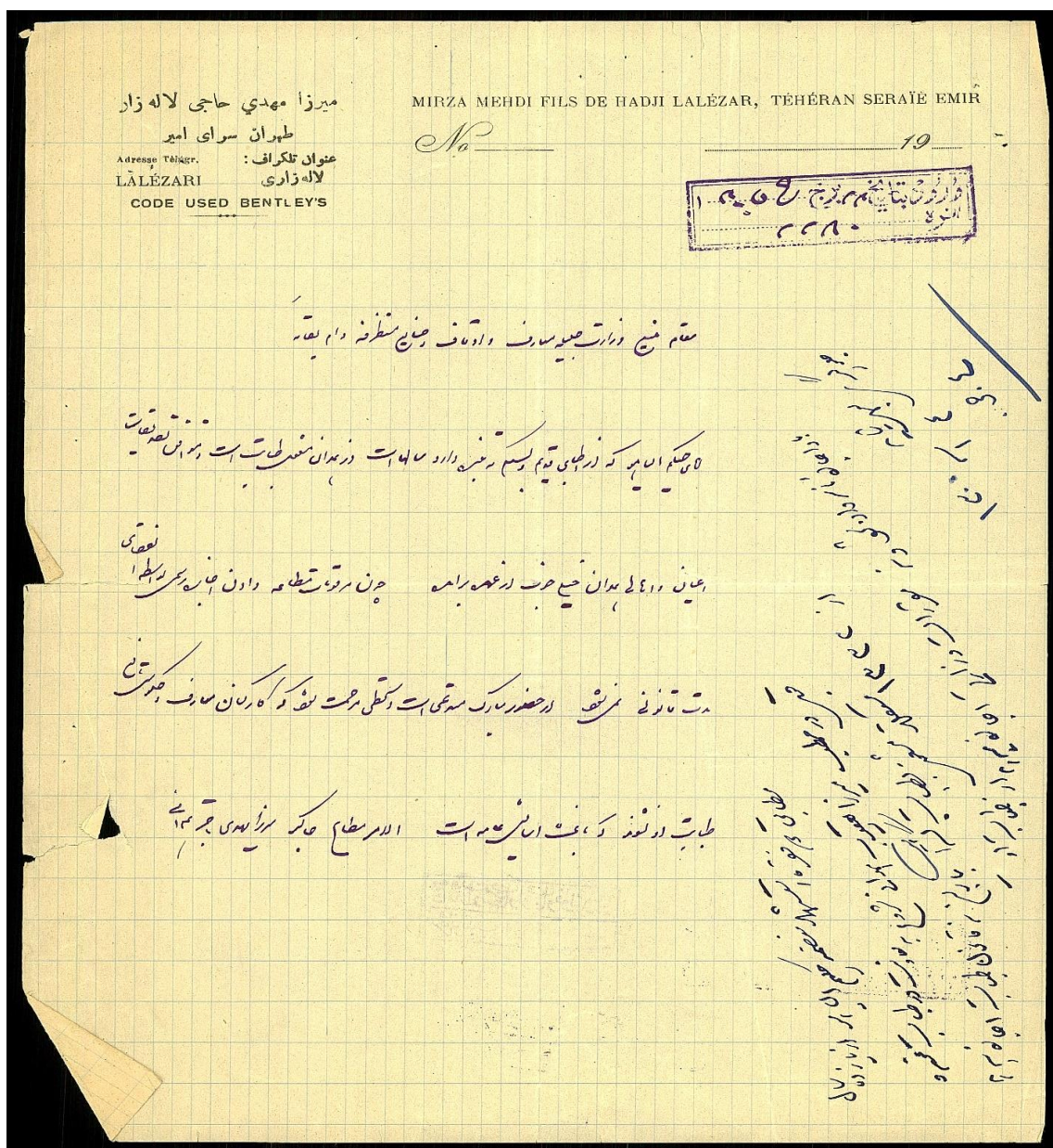
وی، به سال ۱۳۰۱ شمسی به واسطه اداره معارف همدان از وزارت معارف ایران درخواست صدور اجازه‌نامه رسمی طبابت کرد. او به منظور جلب رضایت وزارت معارف، استشهاد مردمان و سه طبیب حاذق همدان (دکتر بدیع‌الحکماء، دکتر صدیق الحکماء، دکتر ضیاء‌الاطباء) را پیوست نامه نمود و به مرکز فرستاد. با آنکه از تحصیلات آکادمیک برخوردار نبود اما به دلیل تأییدیه این طبیبان معروف، موفق به دریافت تصدیق‌نامه طبابت شد که نوعی دیپلم طبی به حساب می‌آمد (۱۶). در حقیقت، حکیم خسروی، از جمله طبیبانی بود که تجربه و



آرشیو مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۰۰۴-۰۲۳۰۷۰-۰۲۹۷.

معاونت طبی حکیم الیاهو در مطب حکیم یعقوب شده است
(۲۴).

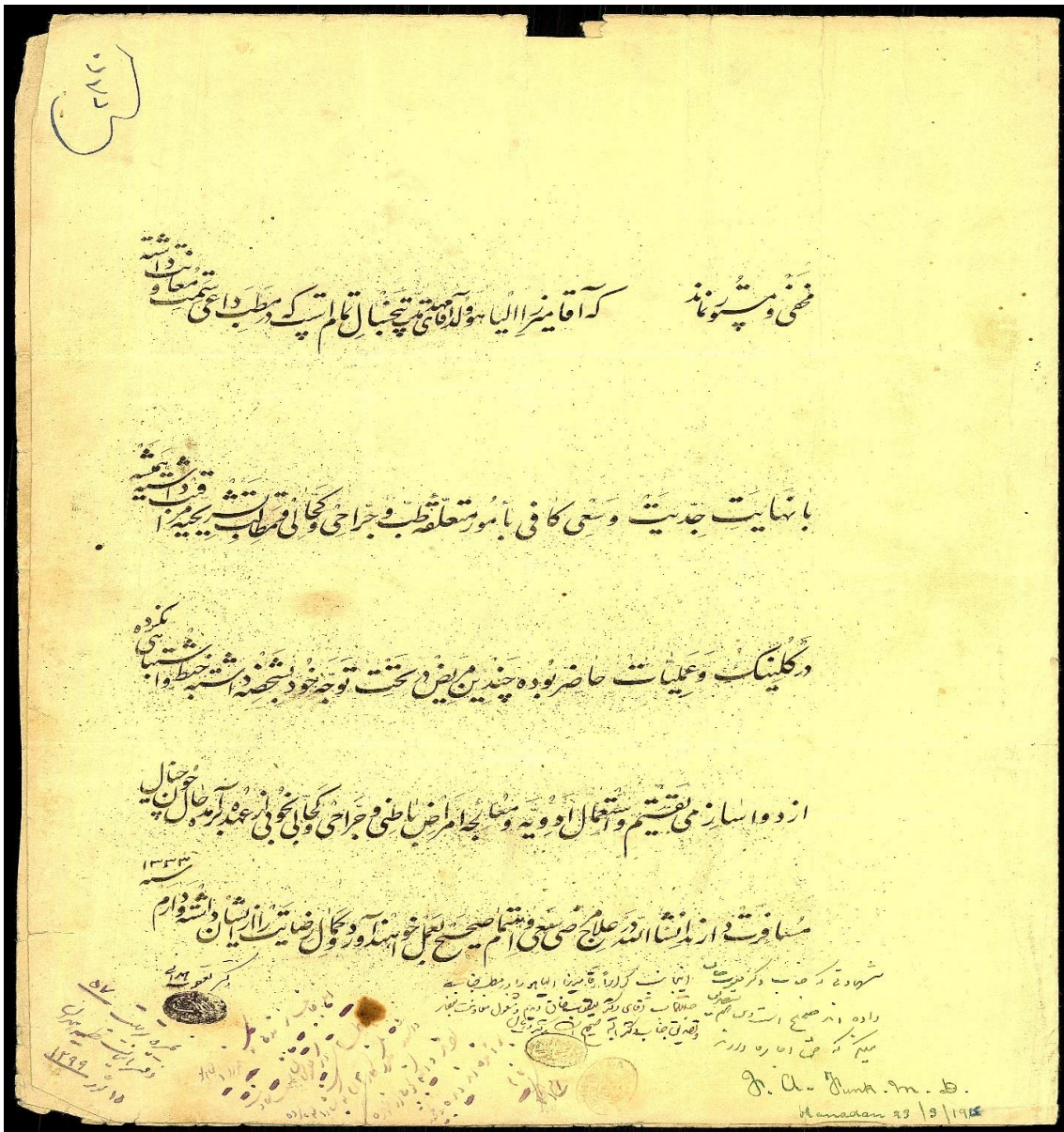
علاوه بر درخواست شخص حکیم الیاهو، میرزامهدی تاجر همدانی نیز نامه‌ای در تأیید این طبیب به وزارت معارف ارسال کرده است و بر خوب بودن طبابت وی به تصدیق اعیان و اهالی همدان، صحه گذاشته است. در حاشیه این نامه نیز اشاره‌ای به



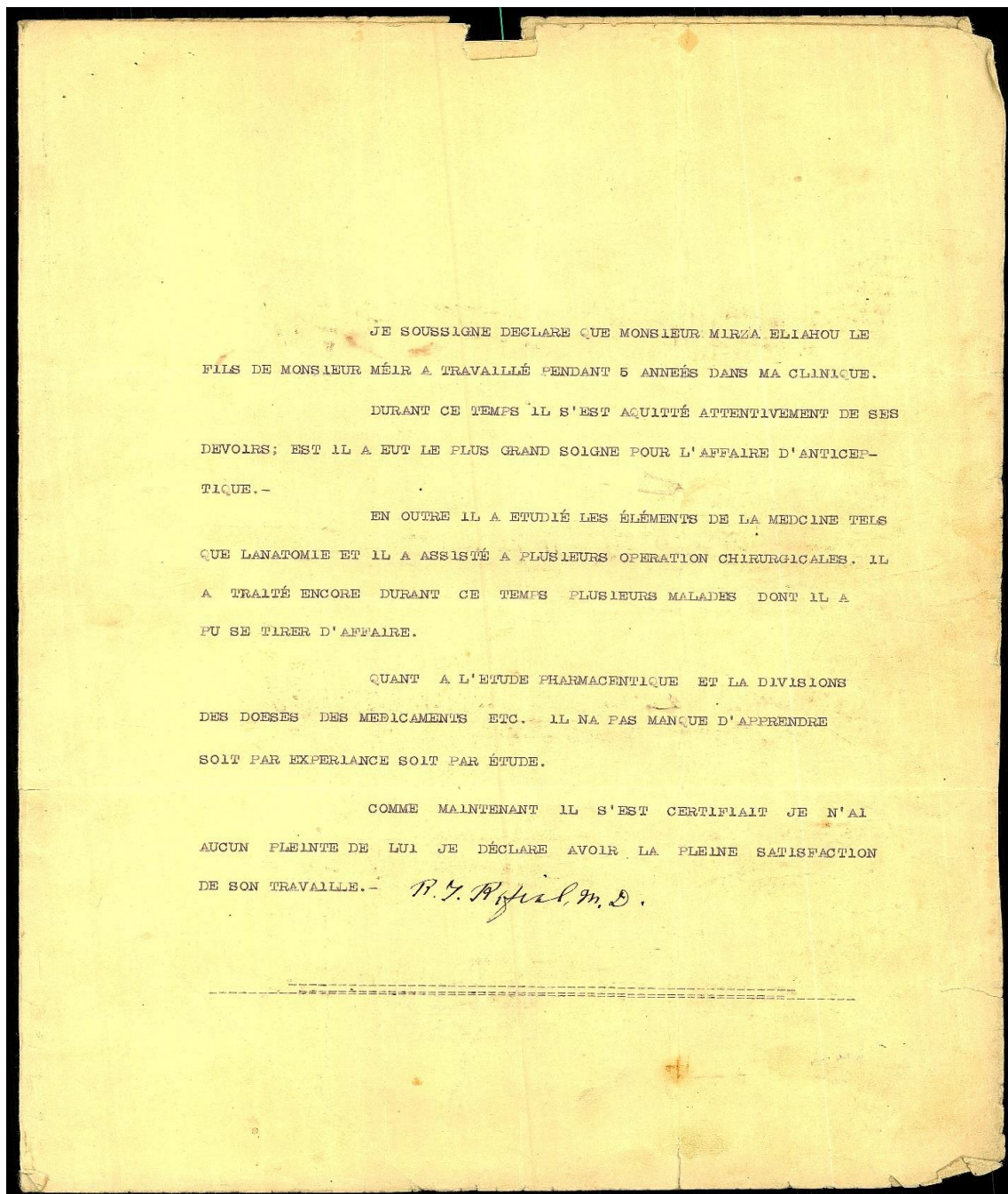
آرشیو مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۰۱۵-۰۲۳۰۷۰-۰۲۹۷.

از داروسازی و تقسیم و استعمال داروها و معالجه امراض داخلی و جراحی و کحالی به خوبی آگاه است. دکتر یعقوب‌خان در نهایت رضایت خود را از عملکرد حکیم الیاهو به ضمیمه امضای چند تن از پزشکان معروف همدان، ابراز داشته است (۲۵).

همچنین خود دکتر یعقوب‌خان نیز در نامه‌ای جداگانه به وزارت معارف چنین اذعان داشته است که آقامیرزا الیاهو به مدت پنج سال در مطب وی در سمت معاونت با نهایت جدیت و سعی کافی به امور مرتبط به طب و جراحی و کحالی و مطالب تشریحیه مداومت داشته است و در کلینیک و عملیات حاضر بوده و چندین مریض تحت توجه خود داشته، همچنین



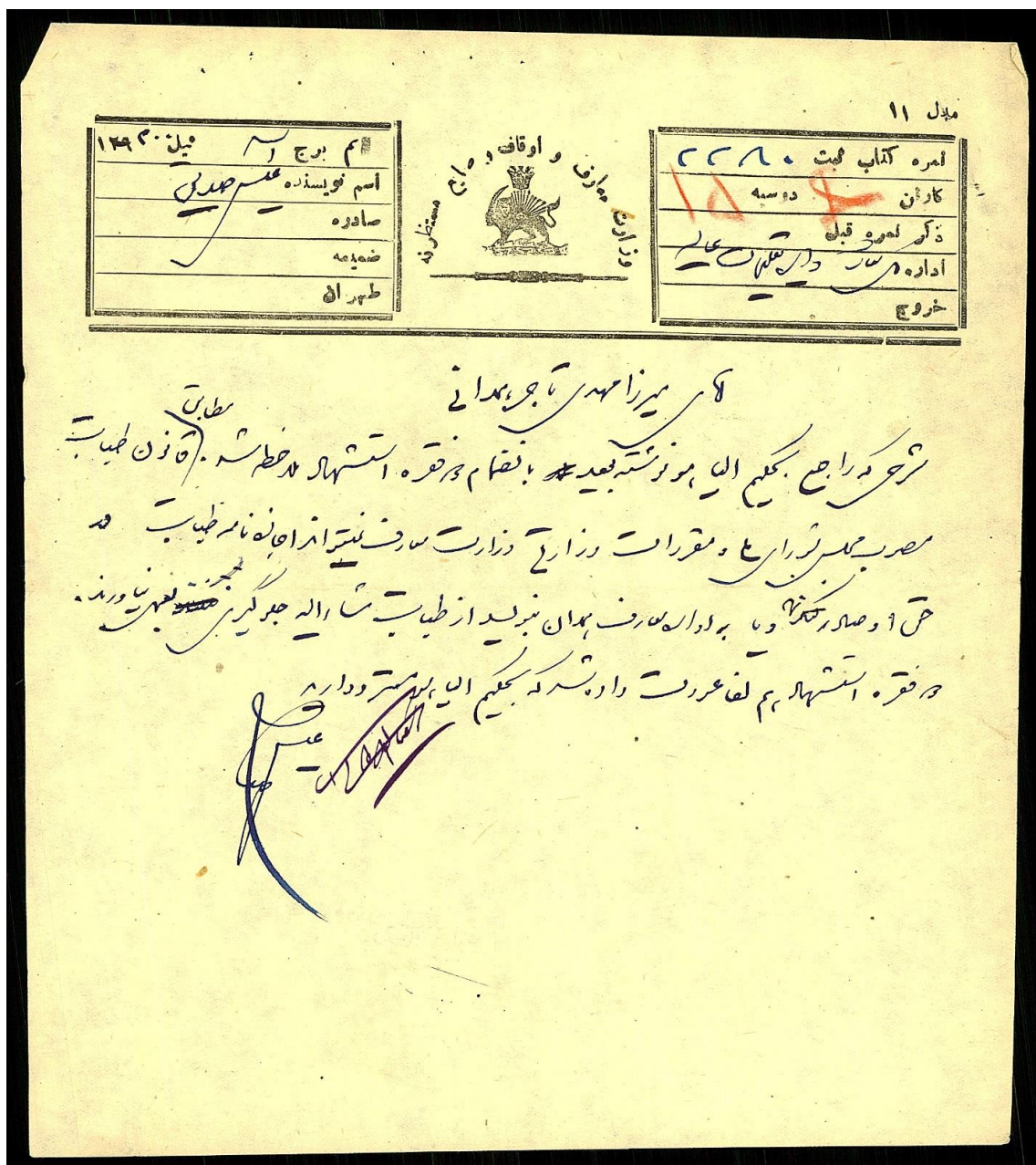
آرشیو مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۰۱۲-۰۲۳۰۷۰-۰۲۹۷.



آرشیو مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۰۱۳-۰۲۳۰۷۰-۲۹۷.

این سند متن فرانسوی نامه حکیم یعقوب می‌باشد (۲۶).

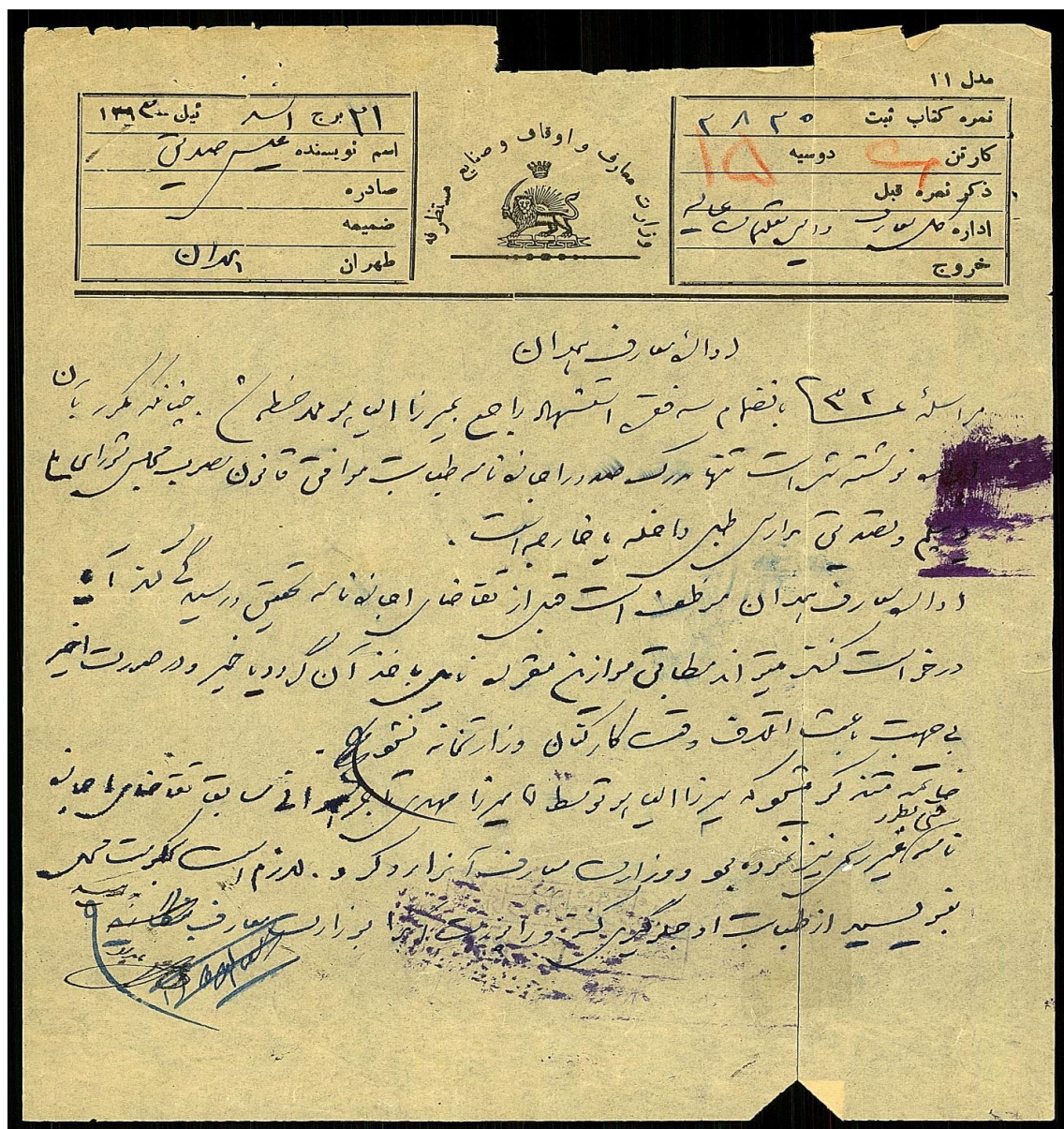
با این وجود نه‌تنها نامه میرزامهدی تاجر از سوی وزارت معارف با جواب منفی پاسخ داده می‌شود (۲۷).



آرشیو مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۰۰۰۶-۰۲۳۰۷۰-۰۲۹۷.

نکرده است، رد می‌شود و به این طبیب اجازه طبابت داده نمی‌شود (۲۸).

بلکه گواهی و تأییدیه دکتر یعقوب‌خان، با این توجیه که دکتر الیاهو در مدرسه دولتی داخلی و ممالک خارجی تحصیل



آرشیو مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۰۰۲-۰۲۳۰۷۰-۲۹۷.

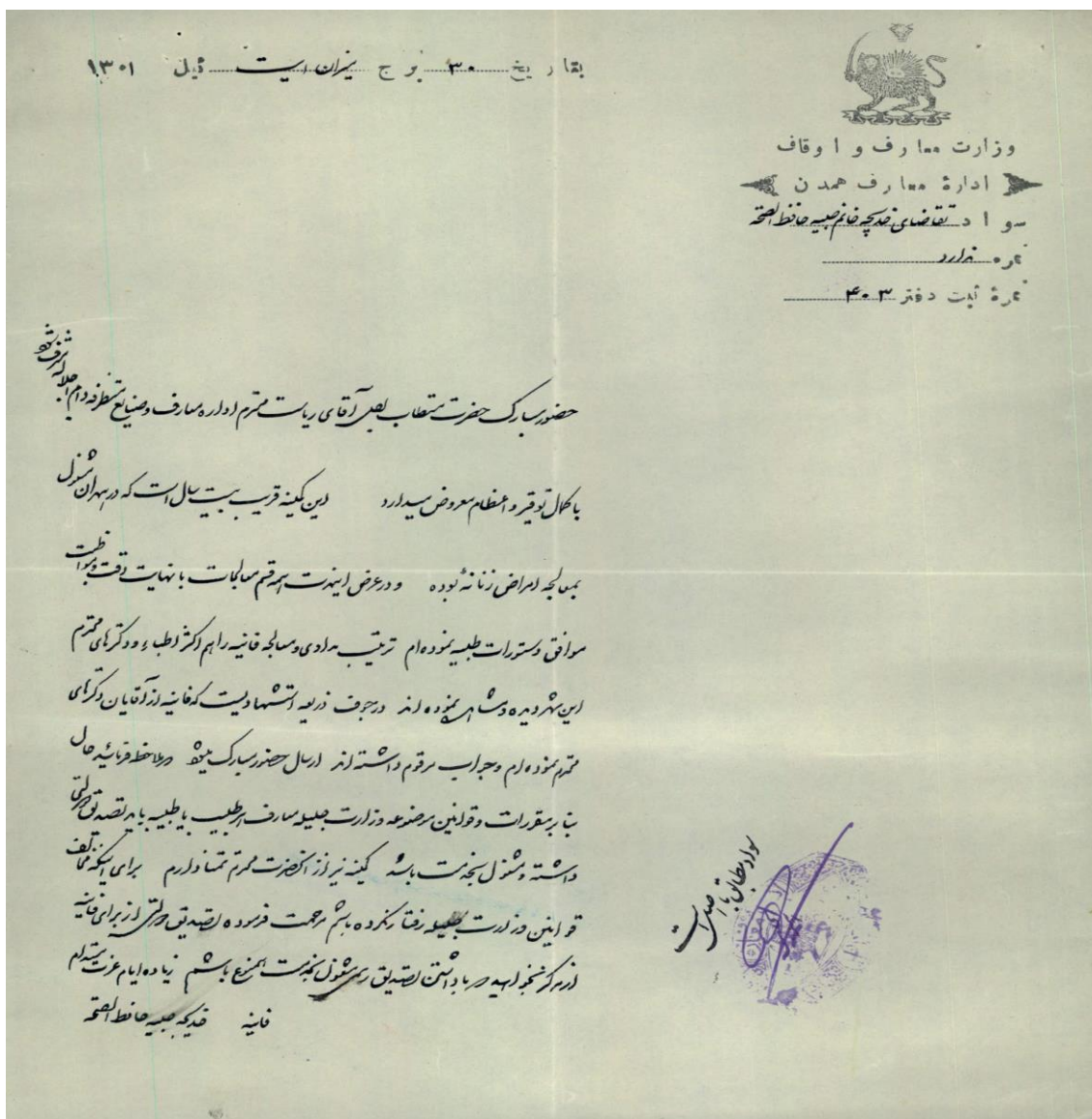
با توجه به یکی از مفاد قانون طبابت که تصدیق تحصیل و شاگردی به مدت حداقل ۵ سال به طور مستمر، در مطب یکی از اطبای معروف، مشروط بر ارائه آن طی مدت چهار ماه، از مصادیق معتبر صدور گواهی‌نامه طبابت است، به نظر می‌رسد که با آنکه میرزا آقایی‌هاو به مدت ۵ سال مستمر در مطب حکیم یعقوب به امر طبابت مشغول بوده، اما به احتمال قوی به دلیل تعلل در ارائه مدارک، دیرتر از موعد مقرر شده، از سوی وزارت معارف مجاز به دریافت اجازه‌نامه رسمی نشده

است. از طرفی با آنکه حکیم الیاهو، فارغ‌التحصیل مدرسه آلیانس بود، اما طبق قانون مصوبه مجلس شورای ملی، مورد تأیید وزارتخانه قرار نداشت. در واقع این مدرسه در ابتدا با هدف حمایت از اقلیت یهود توسط مجامع بین‌المللی، از جمله کنسولگری‌ها در ایران بنیان شده بود و جزء اماکن آموزشی دولتی داخله به حساب نمی‌آمد.

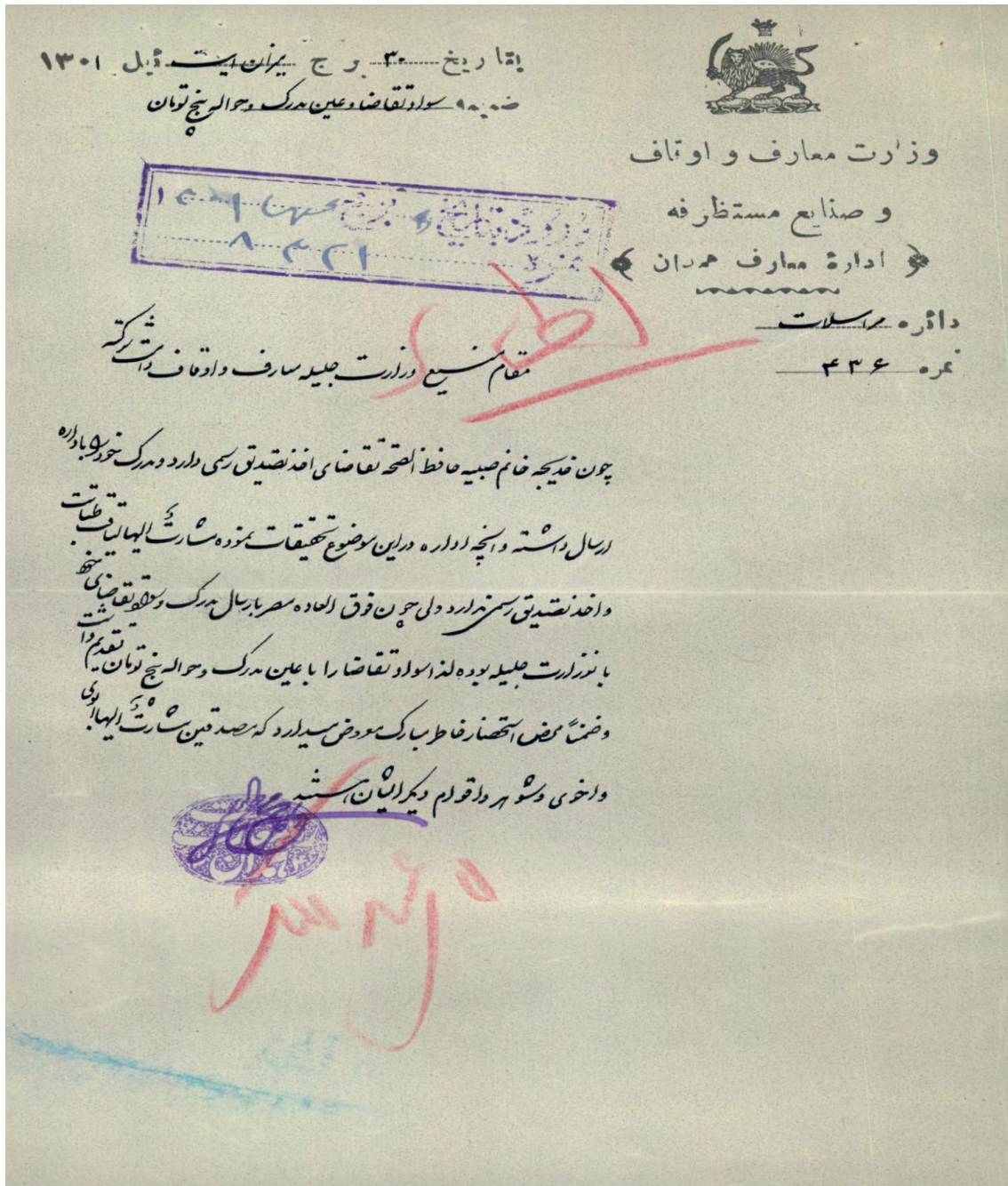
«خدیجه» دختر «حافظ‌الصحه» همدان نیز، از دیگر طبیبان قدیمی این شهر که در معالجات زنانه دستی داشت، به تاریخ

را مستحق دریافت تصدیق‌نامه رسمی ندانستند (۳۰) و در نهایت با تمام تلاشی که این بانو در اثبات توانایی خود انجام داد درخواست او به تاریخ ۶ آبان ۱۳۰۱ شمسی با پاسخ منفی وزارت معارف همدان مختومه شد (۳۱).

۳۰ مهر ۱۳۰۱ شمسی با ارائه گواهی تعدادی از اطبای همدان و با اشاره به سابقه بیست‌ساله خود و مهارتش در امر طبابت، از اداره معارف همدان، درخواست صدور تصدیق‌نامه رسمی را نمود (۲۹)، اما مسئولین مربوطه در همان تاریخ، با این توجیه که تصدیق‌کنندگان بانو خدیجه، از اقوام نزدیک او بوده‌اند، وی



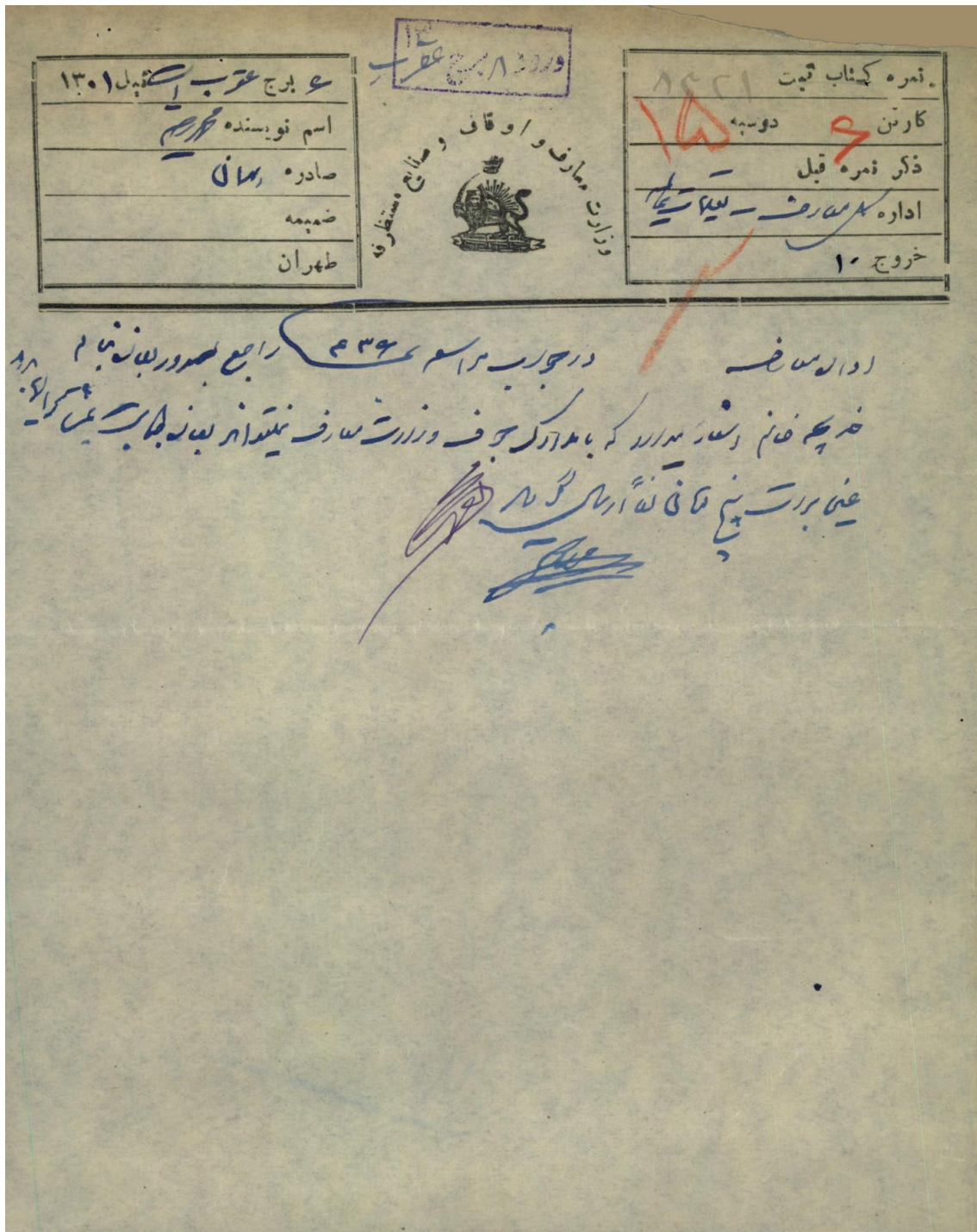
آرشیو مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۰۰۴-۰۲۲۸۲۳-۰۲۹۷.



آرشیو مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۰۰۳-۰۲۲۸۲۳-۰۲۹۷.

با توجه به تاریخ‌های درخواست بانو خدیجه و رسیدگی و پاسخگویی این تقاضا از سوی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه که کمتر از یک هفته به طول انجامیده است، چنین به نظر می‌رسد که اشتغال زن در حرفه مردانه طب، هنوز از

سوی جامعه علمی آن زمان مورد پذیرش نبوده است و عدم رسیدگی دقیق مدارک و ادله خدیجه بانو، نشان از نبود تمایل در مراتب بالاتر جهت صدور اجازه‌نامه بوده است.



آرشیو مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۰۰۵-۰۲۲۸۲۳-۰۲۹۷.

۴. مدرسه «ینگی‌دنیایی» و مریض‌خانه آمریکایی همدان از نخستین نهادهای مدرن طبی: از جمله اقدامات آمریکایی‌ها در همدان، تأسیس مرکزی (مدرسه ینگی‌دنیایی) جهت فعالیت میسیونرهای آمریکایی در سال ۱۸۸۱ میلادی

بود که توسط J.W.Hawkes در همدان بازگشایی شد، مدتی بعد از ورود Hawkes به همدان، همسرش و دوشیزه Annie Montgomery که خدمات فرهنگی میسیون را بر عهده داشتند، همراه دکتر E.W.Alexander به او پیوستند (۳۲).

از جمله تحصیل در مدرسه آمریکایی همدان (ینگ‌دنیایی) که از دیگر روش‌های مطابق با مفاد قانون طبابت جهت کسب اجازه‌نامه رسمی درمان بود که با توجه به تصدیق‌نامه‌های صادره، محل تحصیل یهودیان و ارمنی‌ها بوده است. متعلمین طب پس از گذراندن دروس مقدماتی در این مدرسه و اذن رؤسای آن به عنوان تأییدنامه، وارد مریض‌خانه آمریکایی همدان شده و به صورت شبانه‌روزی مدتی را در کنار اطبای ماهر، آموزش می‌دیدند و در نهایت موفق به اخذ تصدیق‌نامه می‌شدند.

آنان در این مدرسه علاوه بر فراگیری شعب مختلف علم طب چون چشم‌پزشکی، جراحی و قابلگی، در شناخت داروهای ساده و ترکیبی و همچنین محل استعمال آن تجربه کسب می‌کردند. از طرفی شیوه صحیح جراحی با اصول ضد عفونی را می‌آموختند (۱۷). دانش‌آموختگان این مدرسه پس از اعلان سراسری مفاد قانون‌نامه طبابت، با ارائه مدرک دریافتی از مدرسه مذکور، از اداره معارف تصدیق‌نامه رسمی دریافت می‌کردند.

۵. بررسی تصدیق‌نامه‌های اطبای همدانی: که در مدرسه

«ینگ‌دنیایی» مجوز طبابت دریافت کردند:

۵-۱. تصدیق‌نامه میرزا طاووس: این پزشک ارمنی، یک سال قبل از ارسال حکم حکومتی به همدان جهت امتحان اطبا، تصدیق‌نامه از اداره معارف دریافت نموده است. به نظر می‌رسد از آنجا که وی دارای مجوز طبابت از مدرسه آمریکایی همدان بوده است، با ارسال اسناد موجود به تهران، زودتر از حکم صادره برای ولایت همدان، اجازه‌نامه رسمی دریافت کرده است (جدول ۱).

دکتر Alexander و همسرش در همدان خدمات شایسته‌ای انجام دادند، اما نقشه دکتر Alexander برای تأسیس بیمارستان در شهر همدان به توسط استعفای او عملی نشد تا اینکه بیمارستان همدان را خانم دکتر Blanch Wilson بنیان گذاشت و آن را در عمارت ویل مموریال‌هاسپیتال (Whipple Memorial Hospital) مستقر ساخت. در سال ۱۹۰۳ م. / ۱۳۲۰ ق. دکتر J. Arthur Funk برای توسعه و گسترش بیمارستان و تهیه وسایل لازم نقشه‌ای طرح کرد، به همین خاطر زمینی را در خارج از شهر همدان خریداری نمود و ساختن بنای مناسبی در سال ۱۹۰۶ م. / ۱۳۲۳ ق. آغاز شد. یک سال بعد بیمارستان آمریکایی به محل جدید انتقال یافته و به نام «بیمارستان لیلی رید هولت» مشهور گشت (۶). در واقع مریض‌خانه آمریکایی‌ها در همدان عهد مظفری، از جمله مراکز درمانی مدرنی بود که ظهیرالدوله («ظهیرالدوله» از حاکمان خوش‌نام همدان عصر مظفری است که به پیشنهاد، صدراعظم - عین‌الدوله - به حکومت همدان گماشته شد (۳۳). وی از ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۳ قمری تا ۱۴ ذی‌الحجه ۱۳۲۵ قمری حاکم همدان بود (۱۵)) نیز در گوشه‌ای از خاطرات خود بدان اشاره کرده است: «عصر رفتیم به مریض‌خانه آمریکایی‌ها که بالادست شهر و تقریباً هزار قدم با اینجا فاصله بنا کرده است و ناتمام است و چند روز پیش آمریکایی‌ها خودشان دعوت کرد بودند. بدجایی نخواهد شد، جای ۲۴ نفر مریض خواهد شد. برای هفت پدر همدان هم نقداً بس است» (۳۳). با آنکه هدف اصلی میسیون‌های آمریکایی از تأسیس بیمارستان و درمان بیماران، تبلیغ مسیحیت بود و از این طریق توانایی علمی ممالک غربی را به ساکنین محل نشان داده و بر اعتبار مادی و معنوی خود می‌افزودند، با این وجود در همدان و دیگر شهرهایی که دارای بیمارستان بود، دوره‌هایی را نیز برای آموزش پزشکی دایر کردند (۳۴).

جدول ۱: اطبایی که در دوره قاجار از مدرسه آمریکایی همدان، تصدیق‌نامه طبابت دریافت کردند.

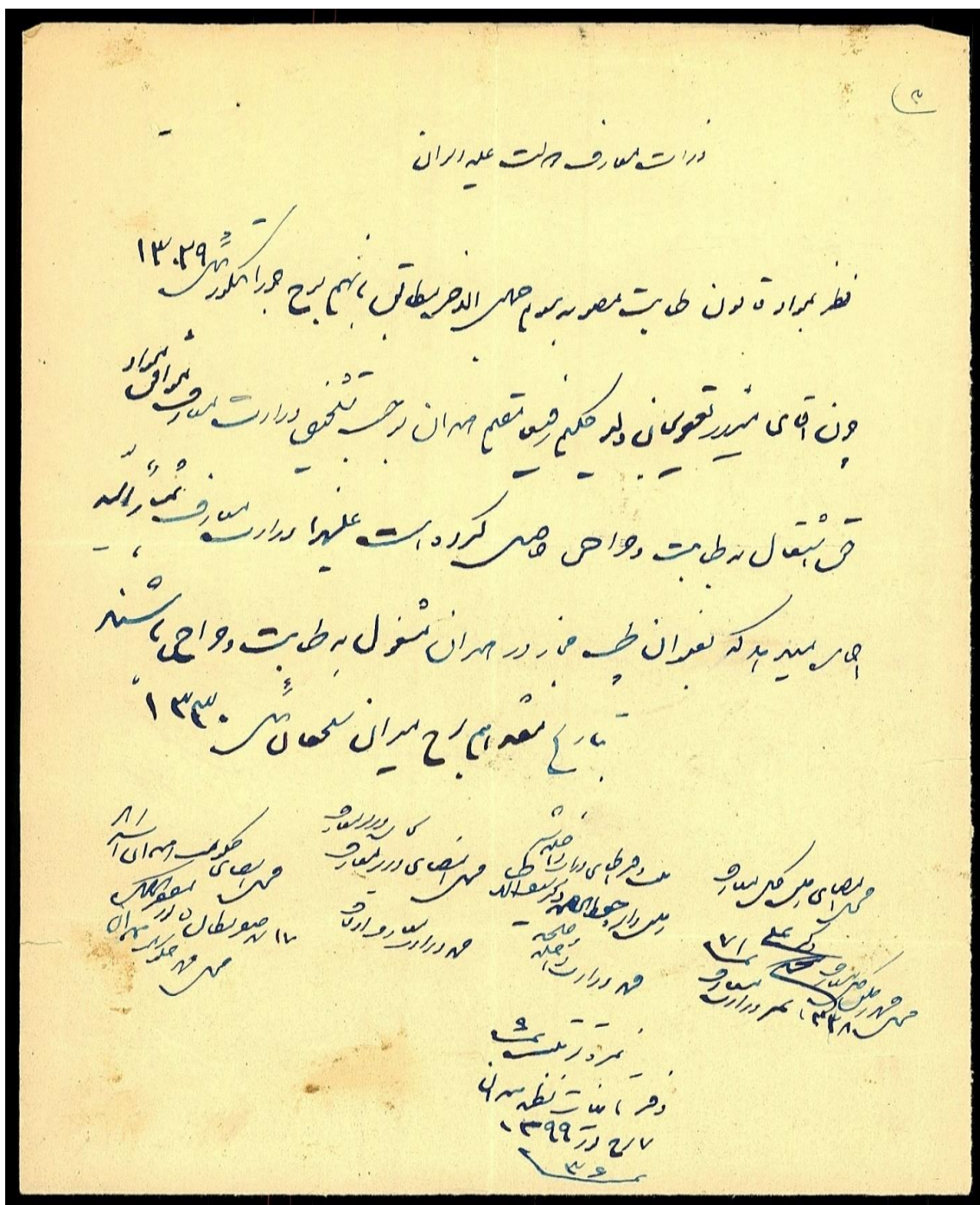
(استخراج از جلد دوم کتاب «تاریخ طب و طبابت در ایران» محسن روستایی)

تاریخ دریافت تصدیق‌نامه رسمی از اداره معارف	امضا و مهر	تاریخ اخذ تصدیق‌نامه	مدت‌زمان تحصیل		
			دین	در مدرسه «بِنِگِی دنیایی»	طیب
۱۳۳۱ ق.	دکترها: فانک، ویشارد، اشمیت، اسدت، اسکات، سعیدخان	۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۳ ق.	ارمنی	۶ سال	میرزا طاطا ووس
-	دکترها: فانک، ماری دیتون آلن	۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۲ ق.	کلیمی	۶ سال	میرزا هارون حکیم موسی
-	-	ذی‌القعدة ۱۳۱۵ ق.	کلیمی	۵ سال	میرزا یعقوب خان
-	دکتر ولسن، دکتر هولمز، دکتر فنک (فانک)، مظفرالملک (حاکم وقت همدان)	ذی‌الحجه ۱۳۱۶ ق.	ارمنی	۵ سال	هاکوپیانس اساطور
-	دکترها: فانک و فیلد	۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ ق.	کلیمی	۶ سال	همایون مرتضی یاری مراد
-	دکترها: هولمز و ولسن	۷ ذی‌الحجه ۱۳۱۶ ق.	ارمنی	۵ سال	همدانی، امیرزاحیم
-	دکترها: فانک و ماری دیتون آلن	۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۲ ق.	کلیمی	۵ سال	حکیم میرزا البراهیم
۱۳۳۱ ق.	دکترها: ویشارد و حکیم‌الملک	شوال ۱۳۱۴ ق.	کلیمی	۵ سال	صدیق‌الحکماء (میرزادانیال)
-	دکتر فانک	۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۳۷ ق.	کلیمی	۵ سال	محمود حکیم عزیز
-	دکترها: فانک و حکیمه خانم فیلد	۱۳۲۷ ق.	کلیمی	۳ سال	میرزا اسرائیل
-	دکتر فانک	۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۳۷ ق.	-	۵ سال	یدالله خان حاجی حکیم هارون

(۱۷). بنابراین حضور او در مجلس درس حکیم میرزا علی‌نقی کوثر به علت کسب تجربه از محضر این استاد بوده است. از طرفی گمان می‌شود که حکیم «صفاء‌الحق» هدفش ذکر مهارت و حذاقت وافر استادش بوده که در این لفافه گنجانده است.

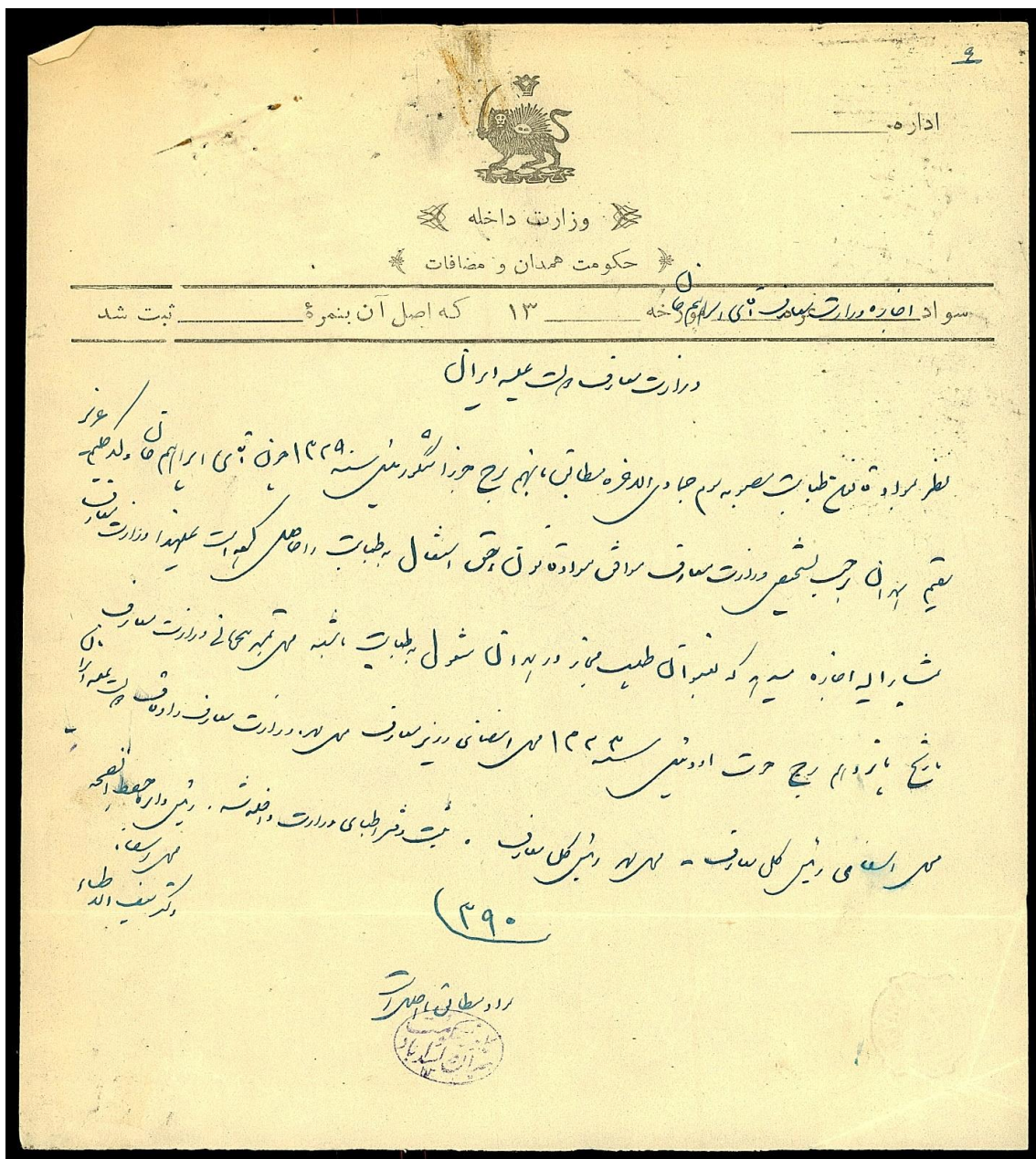
۳-۵. تصدیق‌نامه میرزا یعقوب خان: با استناد به سندی که در آرشیو مرکز اسناد ملی موجود است (۳۵)، حکیم میرزا یعقوب در ۱۳۳۰ قمری احتمالاً با ارائه تصدیق‌نامه مدرسه «بِنِگِی دنیایی» همدان (۱۷) از اداره معارف رسماً اجازه طبابت گرفته است.

۴-۵. تصدیق‌نامه میرزا هارون حکیم موسی: مهارت طبی میرزا هارون را «صفاء‌الحق» در ذیل تعریف استادش به چالش کشیده و دانسته‌های او را ناشی از سماع سخنان استاد خود، میرزا علی‌نقی کوثر می‌داند که به صورت شفاهی آموخته و به نسل‌های بعد خود منتقل کرده است و خود بدون هیچ علم و تجربه‌ای سالیان سال در همدان به طبابت پرداخته است (۱۶). به نظر می‌رسد انتقاد طیب «صفاء‌الحق» که خود به کسوت مسلمانی مزین بوده است، برخاسته از تعصب مذهبی‌اش می‌باشد، زیرا که حکیم هارون در بیمارستان آمریکایی همدان تحصیلات طبی را زیر نظر اساتیدی مجرب با موفقیت به پایان رسانده و تصدیق‌نامه او به امضای دکتر Funk رسیده است



آرشیو مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۰۰۵-۰۳۵۲۲۳-۰۲۹۷.

نظر به مواد قانون طبابت مصوبه سوم جمادی‌الآخر... ۱۳۲۹، اجازه طبابت آقای میرزا یعقوب خان ولد حکیم (به احتمال قوی، رفیع است) مقیم همدان داده شده است.



آرشیو مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۰۰۹-۰۳۵۲۲۳-۲۹۷.

اجازه طبابت آقای ابراهیم‌خان ولد حکیم عزیز مقیم همدان (۳۶)

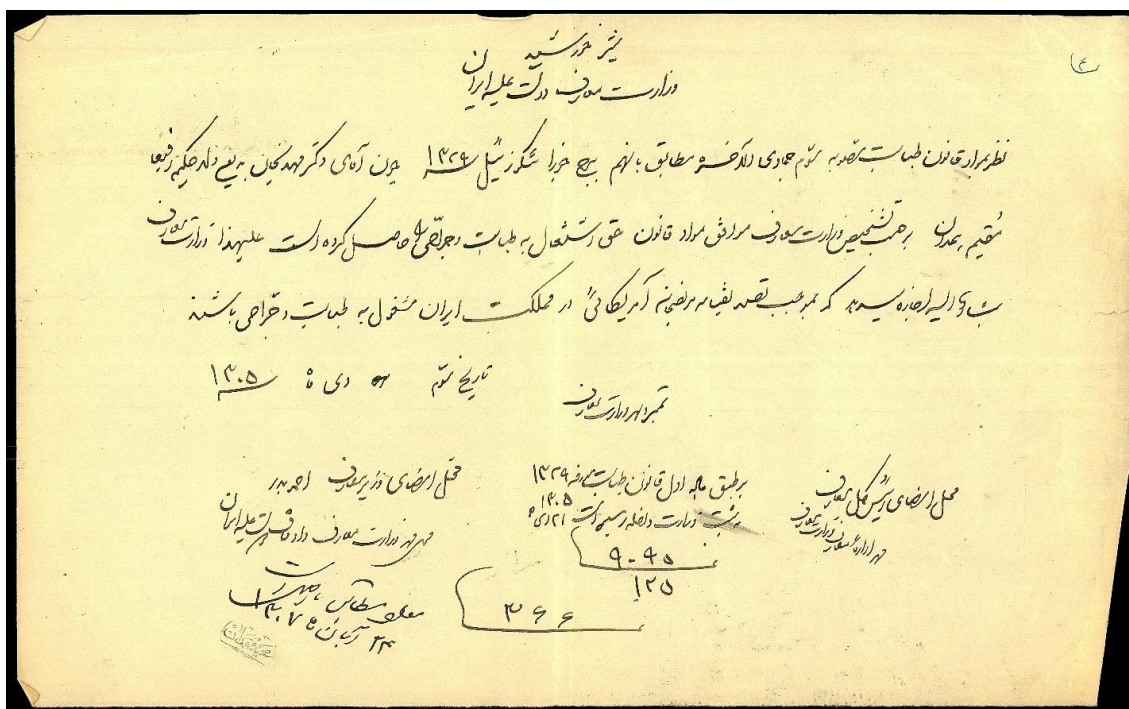
۲ صفر ۱۳۳۳ قمری - تأیید شده است (۱۷)، گرچه نهاد دریافتی این دو نامه مشخص نیست، اما از آنجا که دارای شماره می‌باشند، این مسأله تقویت می‌شود که دریافت‌کننده نامه سازمان دولتی بوده است، از طرفی تاریخ نامه‌ها این فرضیه را اثبات می‌کند که تأییدنامه برای دریافت تصدیق‌نامه رسمی تنظیم شده است.

۴-۵. تصدیق‌نامه همدانی، آمیرزاحیم: آمیرزاحیم از دیگر طبیبان اقلیت است که دانش‌آموخته مدرسه آمریکایی همدان می‌باشد، از این طبیب مدرکی دال بر داشتن مجوز قانونی جهت طبابت موجود نیست، اما در بخشی از شرح حالش، مهارت و حذاقت او توسط «عضدالسلطان» و همچنین خلیفه آرامنه همدان در نامه‌هایی جداگانه، ولی در تاریخی یکسان -

۵-۵. تصدیق‌نامه حکیم میرزاابراهیم: میرزاابراهیم حکیم پسر حکیم سلیمان از اطبای یهودی همدان که جهت کسب تصدیق‌نامه اداره معارف از نقاط مثبت فراوانی برخوردار بود. وی به مدت ۵ سال به طور شبانه‌روزی در مدرسه آمریکایی همدان به تحصیل پرداخت. سپس سه سال در مطب صدیق الحکماء به طبابت مشغول شد و ۶ سال از حضور دکتر اسرائیل کسب علم کرد. در نهایت جهت دریافت تصدیق‌نامه، مدارک موجود را به همراه استشهاد تنی چند از اطبای برجسته همدان چون (بدیع‌الحکماء، ضیاء‌الحکماء، دکتر طاووس، ظهیرالحکماء و ناصرالحکماء یعقوب) به واسطه اداره معارف همدان به وزارت معارف در تهران ارسال کرد

(۱۷). وی همچنین از کودکی در بستری از معلومات پزشکی رشد کرد و از پدر حکیم خود تجربیات گران‌بهایی آموخت.

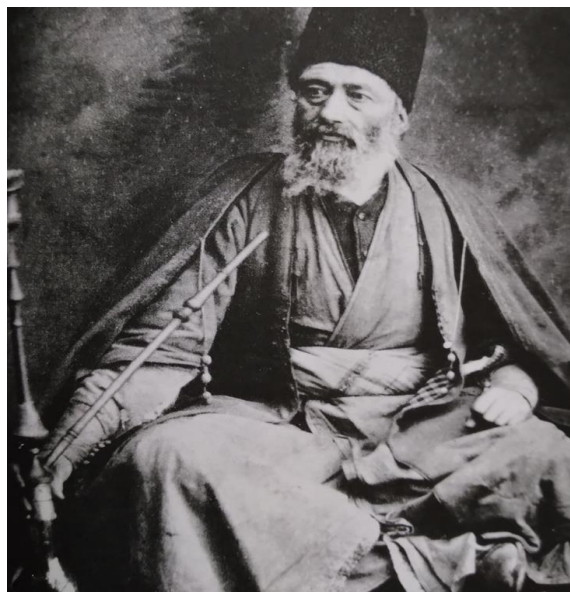
۶-۵. تصدیق‌نامه بدیع‌الحکماء: میرزامهدی خان بدیع‌الحکماء فرزند آقاجان، دوره تخصصی بیماری‌های داخلی را در بیمارستان آمریکایی‌های همدان نزد هیأت آمریکایی آنجا آموخت و مدت مدیدی در سمت دستیار دکتر Funk، رئیس آمریکایی بیمارستان خدمت کرد. زمانی که به تاریخ ۲۳ ربیع ۱۳۲۸ قمری انجمن حفظ‌الصحه شهر همدان تأسیس شد، دکتر بدیع از اعضای اصلی آن بود (۳۷). وی انسانی بزرگوار، مردم‌دار، تحصیلکرده و پزشک قانونی شهر همدان بود (۱۸).



آرشیو مرکز اسناد ملی، سند شماره ۰۰۰۲-۰۳۵۲۲۳-۰۲۹۷.

همچنین اشتها دکتربدیع‌الحکماء به سبب دارابودن سمت‌هایی چون عضویت در انجمن حفظ‌الصحه همدان، سبب جلب نظر مساعد اداره معارف به صدور تصدیق‌نامه شده است (۳۸).

بر اساس سند فوق، دکتر بدیع‌الحکماء در تاریخ ۱۳۰۵ شمسی یک سال پس از سقوط قاجاریه، تصدیق‌نامه رسمی خود را دریافت کرده است. از آنجا که طبق قانون مصوب ۱۳۲۹ قمری، از تاریخ نشر، چهار ماه مهلت ارائه مستندات به اداره معارف ذکر شده است، لذا سال‌ها اشتغال به این حرفه و



حکیم یعقوب، همدان، ۱۸۵۵ م. (موزه تاریخ پزشکی (همدان، خانه بدیع‌الحکماء))



دانیال صدیق ارشادی، همدان، ۱۹۰۰ م. (۱۶)

نتیجه‌گیری

با نظری بر مستندات ارائه‌شده اطبای همدان به اداره معارف، جهت دریافت «تصدیق‌نامه» رسمی، چنین به نظر می‌رسد که اطبای اقلیت این شهر به جهت تعلیم‌گیری در مدرسه آمریکایی شانس بیشتری در اخذ سریع مجوز قانونی داشته‌اند. این مدرسه در واقع با دو شیوه آموزش علمی و عملی نقشی شبیه دبیرستان‌های امروزی را ایفا کرده است، به طوری که دانش‌پژوهان طب پس از گذراندن دروس به صورت تئوری از

طرف رؤسای مدرسه اذن ورود به مرحله عملی را می‌گرفتند و به مدت ۵ الی ۶ سال، آموخته‌های خود را در سایه راهنمایی‌های اطبای مریض‌خانه (بیمارستان) آمریکایی شهر به مرحله اجرا می‌گذاشتند. با توجه به مهر و امضا تصدیق‌نامه‌های صادره از این مدرسه، اکثر قریب به اتفاق مدرسان، از اتباع خارجی بوده‌اند که خود نشانه‌ای از فراگیری علم فرنگی طبابت در کنار دیگر علوم مرتبط بوده است.

مهدی عزتی: نظارت بر نگارش مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

از آنجا که طبق مفاد قانون طبابت بهره‌گیری علمی از مدارس آمریکایی، جز مدارک معتبر جهت صدور اجازه‌نامه رسمی بود، لذا به نظر می‌رسد این مدرسه و شیوه آموزش آن از ابتدا مورد تأیید پیشنهاددهندگان طرح قانونی کردن «تصدیق‌نامه» در مجلس شورای ملی بوده است.

از طرفی چون غالب مردم همدان، پایبند دین مبین اسلام بودند، لذا وجود اطباء مسلمان از ملزومات واجب و بلکه مهم به حساب می‌آمد. با آنکه رجوع به اطباء یهودی در بین مردم رواج داشت، اما به سبب مسائل مذهبی و عدم تناسب بین عقاید عرفی مسلمانان و یهودیان، بیماران بیشتر ترجیح می‌دادند که درد خود را به شفای دست حکیمان روحانی بسپارند. حکیمانی که یا برخاسته از خاندانی مزین به علم طبابت بودند و یا با سیر در شهرها و اقصی‌نقاط دنیا سعی در کسب شعبات مختلف علوم پزشکی داشتند و نیمه دیگر علم خود را بر تجربیات شخصی و یا دریافتی از پدرانشان، گره زده بودند.

به طور کلی، اجباری شدن این طرح تا حدودی، سبب مهمی در برچیده شدن بساط افرادی شد که بدون شایستگی لازم دست به طبابت می‌زدند. با آنکه پایه‌گذار این تفکر صحیح امیرکبیر بود، اما به سبب فقدان یک نهاد قانونی منضبط، این طرح تا وقوع انقلاب مشروطه و برپایی مجلس شورای ملی، به طور منسجم و رسمی انجام نگرفت و همواره تحت تأثیر شرایط موجود قرار داشت. از طرفی چون دارالفنون شعبه‌ای در ولایات نداشت، این هدف تنها در دارالخلافه دنبال شد و ولایاتی چون همدان از این برنامه بهره‌مند نشدند. با قانونی شدن این مهم و نشر آن به تمام کشور، اصول خاص طبی - درمانی مشخص و مؤثری که طی برپایی امتحانات از اطبا و نظارت بر آنها انجام می‌گرفت، سبب تفکیک مهارت‌ها شد، به طوری که راهگشا برای آینده باثبات پزشکی و از بین رفتن شیوه‌های خودسرانه درمانی بود.

مشارکت نویسندگان

الهام پروازی: نگارش مقاله، جمع‌آوری مطالب و منابع.

References

1. Mostoufi A. Description of my life. Tehran: Zovar; No Date. Vol.1 p.526. [Persian]
2. Pollak JE. Pollak Travelogue. Translated by Jahandari K. Tehran: Kharazmi; 1989. p.285-286. [Persian]
3. Wiles CH-J. Iran in a Century Ago. Translated by Qaragozloo QH. Tehran: Eghbal; 1989. p.68-69, 122. [Persian]
4. Archives of the Ministry of Foreign Affairs Documentation Organization. Document No.CH1320-K19-P26-3. [Persian]
5. Ghazi Zadeh B, Moieni R, Gorji N, Memariani Z. A Review of the Biographies and Activities of the Nafisi Family's Physicians and their Contribution to Iranian Medical History (9th-14th A.H.). Medical History Journal. 2020; 12(44): 1-19. [Persian]
6. Rostaie M. The History of Medicine and Medical Profession (From the Qajar Dynasty until the End of Reza Shah's Reign). Based on the Documentation. Tehran: The National Library and Archives of Iran (NLI); 2003. Vol.1 p.72, 89, 115-116, 156, 169, 172, 300. [Persian]
7. Benjamin SJD. Iran and Iranians. Translated by Kordbacheh MH. Tehran: Javidan; 1990. p.197. [Persian]
8. Admeit F. AmirKabir and Iran. Tehran: Kharazmi; 1983. p.336, 354.
9. Newspaper high-ranking Iran. 1862; 63(541): 3. [Persian]
10. Archives of the Islamic Council Documents Center. Document No.1141-3-52-4-2-13-10009. [Persian]
11. Archives of the Islamic Council Documents Center. Document No.g2-2-4-1-31/01-193360-00008. [Persian]
12. Archives of the Islamic Council Documents Center. Document No.g2-2-4-1-31/01-193360-00002. [Persian]
13. Fayzi A. The Spiritual Physicians in Hamadan. Tehran: Sina Legal and Cultural Institute and Medical Ethics and Law Research Center; 2009. p.19. [Persian]
14. Fayzi A. Folk medicine in Hamedan. Tehran: Talaie; 2018. p.31, 33. [Persian]
15. Hamedani MA [Farid al- Molk]. Farid Memoris. Tehran: Zawwar; 1975. p.241, 291. [Persian]
16. Hydarie M, Bashyriyan S, Rafyie M. Sadeh School (The History of Medicine and Medical Profession in Hamedan). Hamedan: University of Medical Sciences; 2016. p.66, 68, 85-86, 105, 114, 196. [Persian]
17. Rostaie M. The History of Medicine and Medical Profession (From the Qajar Dynasty until the End of Reza Shah's Reign). Based on the Documentation. Tehran: The National Library and Archives of Iran (NLI); 2003. Vol.2 p.18-21, 255-258, 588-589, 645-647. [Persian]
18. Gharagozloo GH-H. Hegmataneh to Hamedan. Tehran: Eghbal; 2006. p.465-466. [Persian]
19. The Document Center and the National Library Archive. Document No.297-028115. [Persian]
20. Zekavati Gharagozloo AR. Safa al-Haq's Biography and the Chrestomathy. Tehran: Soreh Mehr; 2017. p.29, 32. [Persian]
21. Razaviyan ASH. Dream on the Bend of a Hook [Persian: Khab dar Kham-e Qollab]. Seyyed Hasan Madani Hamedani Safa al-Haq's Biography and Sonnets. Tehran: Nasira; 2013. p.57-58. [Persian]
22. Sarshar H. Children of Ster. Translated by Nasriyeh M. Tehran: Kareng Publishing; 2005. p.194, 200. [Persian]
23. The Document Center and the National Library Archive. Document No.97-023070-0004. [Persian]
24. The Document Center and the National Library Archive. Document No.297-023070-0015. [Persian]
25. The Document Center and the National Library Archive. Document No.297-023070-0012. [Persian]
26. The Document Center and the National Library Archive. Document No.297-023070-0013. [French]
27. The Document Center and the National Library Archive. Document No.297-023070-0006. [Persian]
28. The Document Center and the National Library Archive. Document No.297-023070-0002. [Persian]
29. The Document Center and the National Library Archive. Document No. 297-022823-0004. [Persian]
30. The Document Center and the National Library Archive. Document No.297-022823-0003. [Persian]
31. The Document Center and the National Library Archive. Document No.297-022823-0005. [Persian]
32. Elder J. History of the American Mission to Iran. Translated by Azari S. Tehran: Noor Jahan; 1954. p.45. [Persian]
33. Zahir al-Dawla. Memoirs and dicuments of Zahir al-Dawla. Tehran: Written in Collaboration with the Franklin Book Publications; 1972. p.17, 133.
34. Groteh H. Grothes travelogue. Translated by Jalilvand M. Tehran: Center publication; 1990. p.190. [Persian]

35. The Document Center and the National Library Archive. Document No.297-035223-0005. [Persian]
36. The Document Center and the National Library Archive. Document No.297-035223-0009. [Persian]
37. Beh Khiyal M. Essays About a Creative Scientist [Persian: Badi'-e Hekmat]. Forty Essays in Memory of Amir Mehdi Badi'and Badi' al-Hokama Anthology. Thran: Ghatreh; 2016. p.377. [Persian]
38. The Document Center and the National Library Archive. Document No.297-035223-0002. [Persian]